



آرمان

شماره ۱۱ - ۱۲ آذر - دی ۱۳۶۴

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانش‌جویان دمکرات ایران



۱۶ آذر

درسی گرانیهاست

hive.com

۲ صفحه	۱۶ آذر درسی گرانبهاست
۱۰ صفحه	صلح پایدار آرمان بشریت است
۱۵ صفحه	دویر خورد متفاوت به امر صلح
	مصاحبه با دوتن از مسئولین حکومت ملی
۱۶ صفحه	آذربایجان
۲۴ صفحه	وزارت جنگ، با وزارت آموزش و پرورش
۲۴ صفحه	فرزندان کار و رحمت (۳)
۲۷ صفحه	شهادت مقاومت
۳۱ صفحه	نبرد آزادی در آخرین جزیره استعمار
۳۵ صفحه	چهلین سالگرد قدر اسهون بهز المللی زنان
۳۶ صفحه	علی امیند بهبار در برجسته جنبش کارگری ایران
۳۷ صفحه	به یاد جهان پهلوان تختی
۳۹ صفحه	آهنگر، شعری از نیا
۴۰ صفحه	نو استعمار
۴۴ صفحه	بیانیه مشترک سازمان جوانان توده ایران
	جوانان ایران در بار دومین فستیوال جوانان
۴۵ صفحه	کمونیست یونان
۴۹ صفحه	کتاب و مطبوعات در جمهوری خلق مجارستان
۵۰ صفحه	آموزش عالی قربانی بحران سرمایه داری
۵۱ صفحه	پاسخ به نامه ها

آرمان - نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران
دوره سوم - سال اول شماره ۱۳-۱۱ آذر - می ۱۳۶۴
بهاء معادل ۲ مارک آلمان فدرال

۱۶ آذر درسی گرانیهاست

۲۲ سال پیش، ماه آذر، آستان حادثه‌ای بود که می‌بایست در تاریخ جنبش دانشجویی کشورمان آذerkونه بدرخشد و روشنگر راه آیمندگان شود.

هنوز بیش از چندماه از کودتا نگذشته بود. کودتا سازان و کودتاگران سرخوش از باده پیروزی، دربارشاه فراری را آب و جارو کرده بودند و مترسک خود را دوباره پرتخت نشانده بودند. نوله‌های نفت ملی شده از زیرپای مردمی گرسنه و زنده‌پوش و زحمتکش مجدداً به سوی انحصارات نفتی جهانخوار راه می‌گشود. امپریالیسم حیل‌گر، چون درنده‌ای سیری ناپذیر، در جستجوی عرصه‌های تازه یغما و غارتگری، این گوشه و آن گوشه سرکمی کشید.

جنبش دانشجویی کشور یشتوانه‌ای ارزنده داشت. در سال‌های مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت، از مساوی با خلق نیرو گرفته و به قله‌های رفیع رزم و بیکار دست یافته بود. اتحادیه‌های دانشجویی مختلفی در این سال‌ها به ابتکار "سازمان جوانان توده ایران" شکل گرفته بودند و میلزات دانشجویان را سازمان می‌دادند. نهرمفندترین این سازمان‌ها، "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" بود.

در ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۳۲، دانشجویان دانشگاه تهران، با تعطیل کردن دانشگاه، با تظاهراتی که مردم برای اعتراض به رژیم کودتا ترتیب داده بودند، همکام شدند. در این روز آریاشان به خوابگاه دانشجویان هجوم بردند و خواستند با سرکوب دانشجویان، جلوی غروش و خشم آنها را بگیرند. لیکن وحشیگری رژیم کودتا نتوانست جلوی روند اتحاد و مبارزه دانشجویان را سد کند. ماه بعد، در روز ۱۶ آذر، غریب اعتراض دانشجویان باردیگر فضای دانشگاه را شکافت. جنبش دانشجویی در برابر ارتجاع قدعلم کرد و در آستانه سفر نیکسون، این نماینده انحصارات جهان خوار آمریکاء، به ایران، باردیگر توان خود را آموزد.

دانشجویان به نشانه اعتراض به باژداشت دودانشجوی راه و ساختمان توسط مزدوران رژیم شاه به همراه استادان خود از کلاس خارج شدند و باشعار "مرگ پر شاه مزدور" در محوطه دانشگاه گردهم آمدند. تظاهرات هرلحظه بیشتر اوج می‌گرفت و پرهراس امیرینی مزدوران می‌افزود.

مصطفی بزرگ نهد، عضو رهبری "سازمان جوانان توده"، مهدی شریعت رضوی، عضو "سازمان جوانان توده" و احمد قندچی هوادار دکتر مصدق، در این روز در کنار هزاران دانشجوی دیگر مشت‌ها را پرفراز سر پراغراشتند و فریاد "مرگ پراشاه" شان درهم تنیده شد.

گویی جان یگانه‌ای که پرفراز محوطه دانشگاه در پرواز بود، به آنها چنین ندا می‌داد:

"حالا که در یک آتش و در یک سنگریزه، یکی شوید، از تن‌های بی شمار و جدا از هم خود، تن مقبر یگانه‌ای بسازید. پیروزی شما در یگانگی شماست."

گل‌وله‌های رژیم که به مقصد فرونشاندن آتش مبارزه ره‌اشده، آن را شعله‌ورتر ساخت.

سه مبارزه سه قهرمان به خاک افتادند. خون سه شهید به هم آمیخت و به زودی سه گل سرخ از آن روئید که به گل‌های سرسبد جنبش دانشجویی تبدیل شد: "اتحاد، مبارزه، پیروزی".

این شعار به حق به شعار محوری جنبش دانشجویی تبدیل شد. شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" به عنوان هصاره مبارزات جنبش دانشجویی، در تمام دوران سال‌های خفقان ستم‌شاهی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی طنین افکن بود و حتی به میان دانش‌آموزان نیز گشیده شد.

دانشجویان به محتوی عمیقاً انقلابی این شعار آگاه بودند، به آن عمل می‌کردند و به شدت نسبت به مراعات آن حساس بودند. اکثر دانشجویان متعلق به گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک مختلف با احساس مسئولیت نسبت به وظایف روز و اهداف جنبش برخورد می‌کردند. در محافل صنفی و سیاسی تأکید بر نقاط مشترک بود و پرمیاز از وجه افتراق. این آن چیزی بود که به جنبش توان می‌داد.

در سال‌هایی که شدت خفقان کمتر بود، گردهم‌آیی‌هایی به مناسبت بزرگداشت ۱۶ آذر برگزار می‌شد. فعالین جنبش از ۱۶ آذر ۲۲، از جنبش نفت، از استصار و نر استعمار، از دیکتاتوری و از خواست‌های صنفی دانشجویان سخن می‌گفتند. این گردهم‌آیی‌ها امکان مناسبی جهت تبادل نظر صنفی - سیاسی و رشد آگاهی دانشجویان، به خصوص دانشجویان سال اول که تازه به محیط دانشگاه راه یافته بودند، فراهم می‌کرد. شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" همه جا طنین افکن بود.

پس از سال ۵۰ که پلیس با نام "کارد دانشگاهی" در موسسات آموزش عالی بطور دائم مستقر شد، امکان هرگونه تجمع علنی از دانشجویان سلب شد. در این سال‌ها، بزرگداشت ۱۶ آذر، به شکل نیم علنی، تظاهرات وسیع و موضعی، گردهم‌آیی‌های کوچک و بزرگ و پخش اعلامیه صورت می‌گرفت. از روزها پیش، شعارهایی در رابطه با ۱۶ آذر و بیش از همه "اتحاد، مبارزه، پیروزی" برتخته سیاه کلاس‌ها و پردو دیوار دانشگاه‌ها نقش می‌بست. گویی همه به پیشواز این روزها می‌رفتند. جان جاویدان بر آسمان دانشگاه‌ها در پرواز بود.

صبح روز موعود، کنترل پلیسی بردانشگاه‌ها تشدید می‌شد. "کارد" و ساواک همه جا برای شناسایی و دستگیری فعالین جنبش دام می‌گسترده و ورود و خروج دانشجویان به شدت زیر نظر بود و مقامات برحضور و غیاب در کلاس‌های درس تأکید داشتند. ماشین‌های حامل "کاردی‌ها" جلوی دانشگاه‌ها مانور می‌دادند و عرض اندام می‌کردند. ولی همه این تمهیدات حتی یک بار هم نتوانست از شور بزرگ داشت ۱۶ آذر بکاهد.

فعالین جنبش دانشجویی در این روز همه دانشجویان را به تظاهرات اعتراضی دعوت می‌کردند. پرنده "اتحاد، مبارزه، پیروزی" که ابتدا از چند دهان و از چند نقطه پرنده می‌شد، پس از چند چرخ پر فضای دانشگاه، به صورت دسته‌ای انبوه درمی‌آمد و اوج می‌گرفت. سهل تظاهرکنندگان در محوطه دانشگاه‌ها روان

می گشت. هجوم " گارد" و جنگ گریز، ضربات باتوم، دستگیری‌ها و تعطیل کلاس‌ها، همه و همه از خطوط رسم کهنه ۱۶ آذر در این سال‌ها بودند.

تظاهرات ۱۶ آذر در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی تقریباً همه گیر شده بود. دانشگاه تهران، پلی تکنیک، صنعتی، علم و صنعت، ملی، دانشگاه های تبریز، اصفهان، شیراز، خلاصه همه دانشگاه‌ها و موسسات عالی در این روز در جوش و خروش بودند.

بزرگداشت ۱۶ آذر به صورت جنبشی درآمد که تأثیرش به مراتب از محیط دانشگاه‌ها فراتر می رفت. اخبار مربوط به تظاهرات، درگیری با پلیس و دستگیری‌ها در شهرها دهان به دهان می گشت. جنبش ۱۶ آذر، پهنه زمانی وسیعی را دربر می گرفت. در بسیاری از دانشگاه‌ها، بسته به توان جنبش، " هفته ۱۶ آذر" برگزار می شد که تأثیرات بلند مدت تری داشت. روح‌رزمنده و شعارهای انقلابی و ضد دیکتاتوری " جنبش ۱۶ آذر" تبلیغات ارتجاعی رژیم شاه را جهت بزرگداشت یورش ارتجاعی به آذربایجان در ۲۱ آذر، کم رنگ می کرد. از این نظر نیز جنبش ۱۶ آذر تأثیر تبلیغاتی مهمی داشت.

قدرت جنبش دانشجویی در وحدت‌انست

جنبش دانشجویی ایران به خود می‌بالد که توانسته است در مهمترین برآوردهای تودای جنبش ملی - دمکراتیک کشور نقش فعال و مهمی ایفا کند. دانشجویان کشور توانستند همگام با کارگران و زحمتکشان شعار " اتحاد مبارزه پیروزی" را در مقاطع حساس تاریخی به پرچم واحد جنبش تبدیل کنند.

در سال‌های ۴۲ - ۴۶ که برخی از اصلاحات مورد مطالبه توده‌ها به شکل مفلوب و دست و پا شکسته و با ستگیری ارتجاعی از سوی نمایندگان امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه به روی صحنه آورده شد، جنبش دانشجویی همراه با کارگران و زحمتکشان کشور با فریاد " اصلاحات آری، دیکتاتوری نه" به حرکت درآمد. مراسم بزرگداشت چهلم جهان پهلوان تختی در دی ماه سال ۴۶ به عرصه تظاهر خشم توده‌های مردم، از جمله دانشجویان و دانش‌آموزان، علیه جنایات رژیم دیکتاتوری تبدیل شد. جنبش دانشجویی آگاه بر لزوم پیوند تنگاتنگ با زندگی و رژیم کارگران و زحمتکشان، از هرفرصتی جهت نزدیکی با مردم ستم‌دیده کشورمان استفاده می کرد. شرکت وسیع دانشجویان و دانش‌آموزان در امر کمک رسانی به سیل زدگان جنوب شهر تهران در سال ۱۳۴۵ و کمک به زلزله زدگان بوئین زهرا یکی از بهترین نشانه‌های این همبستگی عمیق در این سال‌ها است.

در سال‌های ۴۴ تا ۴۷ که رژیم شاه با دستگیری و محاکمه کارگران توده‌ای، صابر محمدزاده و اصف رزم دیده، و گروه ۱۶ نفری دانشجویان انقلابی (معروف به گروه چرخی) به تمام آزادی خواهان و انقلابیون جنگ و دندان نشان می داد، همبستگی با زندانیان سیاسی و مطالبه آزادی آنها با تمام نیرو در دستور روز مبارزات دانشجویی قرار گرفت.

در تیراگتی که به مناسبت سال کشت ۱۶ اذر از سوی دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸ ینش شد. با آگاهی به وظایف روزناتکید شده بود:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی، شعار مقدس دانشجویانی است که به خاطر مستحق آلمان شهیدای ۱۶ آذر پیکار می کنند."

این آگاهی دانشجویان به نقش و مسئولیت خود به نحو گسترده ای در تظاهرات ضد دیکتاتوری و حرکات اعتراضی توده ای اسفند ۴۸ که به شکل تحریم شرکت واحد بروز کرده، نمایان شد. خودسوزی اعتراضی یکی از دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران در این روزها یکی از مهترین خبرهایی بود که از سوی رسانه های خبری بین المللی به سراسر جهان مخابره شد و توجه همگان را به جنایات شاه و مقاومت مردم جلب کرد.

آغاز جنبش چریکی در دهه ۴۰، اول از همه و بیش از همه، دانشگاه ها را تحت تاثیر قرار داد. این تاثیر، هم در شعارها و هم در شیوه مبارزات دانشجویی سال های ۵۵ - ۵۰ به چشم می خورد. در این سال های پرچوش و خروش، جنبش دانشجویی توانست، علی رغم کاستی ها و سستی هایی که عمدتاً از مجموع جنبش ملی - دمکراتیک کشور نشات می گرفت، وحدت خود را حفظ کند. بسیاری از مبارزینی که در سال های بعد در نبردهای انقلابی تهرانانه شرکت کردند، در دوره مبارزه این سال ها شکل گرفتند.

سال های ۵۶ و ۵۷ شاهد مبارزات خستگی ناپذیر دانشجویان بود. پیکار پردامنه دانشجویان در این دوره از نظر وسعت و تداوم اوج گیری در طول تاریخ جنبش دانشجویی بی نظیر بود و از نظر سیاسی ابعاد گسترده ای گرفت. هیچ یک از موسسات آموزش عالی کشور از عرصه مبارزه برکنار نماند. رویدادهای مهم که توده های وسیع دانشجویان را در برمی گرفت، در این دوران کم نبود ولی می توان از میان آنها تظاهرات پرشور دانشجویان به مناسبت اول ماه مه در خیابان عباسی، بسیج دانشجویان برای کمک به زلزله زدگان طبرستان، مقاومت مشترک دانشجویان و دانشگاهیان دانشگاه صنعتی در مقابل توطئه انحلال دانشگاه، تحصن در دانشگاه صنعتی و بالاخره رویداد تاریخی ۱۳ آبان را برجسته کرد.

این مبارزات به خصوص از جهت تلاش آگاهانه دانشجویان به منظور غلبه بر ضعف مهم جنبش دانشجویی، یعنی عدم پیوند نزدیک با جنبش توده های زحمتکش در این سال ها، نمونه وار بودند. دانشگاه ها در این دوران به مراکز مهم انقلابی تبدیل شدند.

متأسفانه جنبش دانشجویی نیز مانند دیگر گردان های جنبش از ضعف عمومی فقدان سازمان یافتگی رنج می برد و با این ضعف مهم به دوران پس از انقلاب بهمن ۵۷ یا گذارد. در دوره کوتاه قریب به یک سال تا یورش "انقلاب فرهنگی" از جانب ارتجاع، علی رغم تلاش های دلیرانه و بی گیرانه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، جنبش دانشجویی توان و امکان آن را نیافت تا بر این ضعف غلبه کند. به دلایل مختلف عینی و ذهنی جنبش متفرق ماند و ساطور ارتجاع بر دانشگاه فرود آمد. یکی از دلائل موفقیت ارتجاع در پیشبرد و ادامه سیاست ضد دانشگاهی "انقلاب فرهنگی" را نیز باید در همین تفرقه نیروهای دانشجویی و عدم استفاده از

تمام نیروها و امکانات این توده ۶۰۰ هزار نفری داشت. علی رقم این که اکثریت مطلق دانشجویان و دانشگامیان با تعطیل دانشگاه‌ها به هر بهانه و توجیهی مخالف بودند، ولی به دلیل فقدان سیر دفاعی لازم یعنی فقدان وحدت عمل سنجیده سازمان یافته، ناگزیر به آن تن دادند. این تجربه تلخ باید در این سال‌های سخت آویزه گوش هوش تمام دانشجویانی شود که برای گسترش و تقویت جنبش دانشجویی می‌روزمند.

جنبش دانشجویی علی‌رغم خواست ارتجاع، ضربه خورد اما نابود نشد، ضعیف شد ولی نشکست. پرچم خون آلود ۱۶ آذر در رژیم جمهوری اسلامی نیزمانند رژیم شاه محوری خواهد شد که همه دانشجویان مرفقی را جهت نیل به اهداف صنفی و سیاسی گرد خود مجتمع و بسیج خواهد کرد. این که هم اکنون نیز نام ویاداد ۱۶ آذر، اگر چه تحریف شده، دیوار سنگین سانسور را می‌شکند و به صفحات جراید حکومتی راه می‌یابد، نشانه آن آتش نهفته ایست که زیاده می‌کشد.

۱۶ آذر و جنبش دانشجویی خارج از کشور

"۱۶ آذر" در جنبش دانشجویی خارج از کشور نیز نقش مهمی ایفا کرد. دانشجویان خارج از کشور با الهام از "اتحاد، مبارزه، پیروزی" و با استفاده از امکانات مساعد جهت تشکیل سازمان‌های علمی، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی را ایجاد کردند. در تشکیل سازمان‌های صنفی در کشورهای مختلف اروپا و متحد کردن آنها در "کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی"، حزب توده ایران سهم مهم و اساسی و گاه قطعی داشته است. تشکیل کنفدراسیون یک دستاورد بزرگ برای جنبش دانشجویی ایران است. در دورانی که کنفدراسیون به طور متحد و یکپارچه و در خط اصولی خود حرکت می‌کرد، توانست به خوبی از منافع و خواست‌های صنفی-سیاسی دانشجویان دفاع کند و به سنگر مهمی جهت افشای رژیم شاه تبدیل شود.

ولی در دوران‌هایی از مبارزه، علی‌رغم خواست دانشجویان خارج از کشور به اتحاد، دشمنان توانستند تفرقه را در میان آنها تشدید کنند. دشمنان و عناصر ناآگاه و کم تجربه کنفدراسیون را به جای تحکیم و انضمام به سوی چندپارچگی سوق دادند به نحوی که در سال‌های ۱۳۵۰ چندین کنفدراسیون با مراکز متعدد و ارگان‌های متعدد ظاهر شدند که بخش مهمی از نیروی خود را صرف تاختن بر یکدیگر و نیروهای انقلابی می‌کردند. این روند منفی نه تنها به گسترش و اعتلای جنبش دانشجویی در خارج از کشور کمک نکرد، بلکه به جدایی هرچه بیشتر توده‌های دانشجو از کنفدراسیون انجامید.

این گرایش‌های تفرقه‌گرانه، اگرچه به اشکال مختلف خود را ادامه‌دهنده راه "۱۶ آذر" می‌دانستند ولی آشکارا با روح "۱۶ آذر" و با محتوای پیام مبارزان و شهیدان آن در تناقض بودند. توده‌های دانشجو با آگاهی به این واقعیت محسراً خواستار پایان دادن به این فضای تیره بودند. به همین جهت بود که "آرمان" با

انتشار خود در سال ۱۳۵۴، شعارمحوری " اتحاد، مبارزه، پیروزی " را به پرچمی تبدیل کرد که همه دانشجویان و جوانان مترقی و مبارز را به تجمع گرد آن فراخواند.

" سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات " همواره معتقد بوده است که با پی گیری و استواری و با منطق علمی و انقلابی و خونسردی و متانت و حوصله می توان جنبش دانشجویی در خارج کشور را از بن بست نجات داد تا سهم شایسته خود را در جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق های ایران ایفا کند.

اوج گهبری جنبش خلق در جریان تکوین انقلاب بهمین و سپس در مرحله اول پیروزی آن امکان مساعدی جهت گسترش و تعمیق جنبش دانشجویی پدید آورد.

عظمت انقلاب، جوش و خروش بی سابقه خلق، گستره وظایف روز و خطیر بودن لحظه، لزوم و اهمیت اتحاد نیروها را پیش از هر وقت دیگر برجسته کرد. حساب جمله پردازی ها و شعارهای ترخالی گزیده هایی که تنها زائیده فضای مسموم خفقان بودند، ترکید و زمینه اتحاد عمل پیش از پیش پا گرفت. ضرورت دفاع از دستاوردهای انقلاب و انشای توطئه های ارتجاع و امپریالیسم دانشجویان را به اتخاذ فعالیت های مشترک سوق می داد. ولی متأسفانه به دلایل مختلف گرایش وحدت جوینان نتوانست به گرایش غالب و دیرپا تبدیل شود. جنبش دانشجویی خارج از کشور در این دوره مستقیماً از جنبش داخل کشور تأثیر پذیرفت. در عین حال نقاط ضعف پیش از نقاط قوت منعکس شده. امکانات مساعد خارج از کشور به خوبی مورد استفاده قرار نگرفت و ابعاد سیاسی بیش از پیش وجوه صنفی را پوشاند.

این نقاط ضعف همراه با ضعف اصلی به ارث رسیده از دوران پیش از انقلاب، یعنی فقدان یک سازمان صنفی - سیاسی تثبیت شده، موجب شد تا جنبش دانشجویی خارج از کشور نتواند در صف متحدی با تهاجم ارتجاع جمهوری اسلامی مقابله کند. مبارزه تا به امروز بطور پراکنده و در فضایی آکنده از گرد تفرقه ادامه یافته است. ما معتقدیم در این اوضاع خطیر که جامعه ایران و رژیم جمهوری اسلامی در بحرانی همه جانبه فرو رفته است، وظایف سنگینی بر مهده جنبش دانشجویی خارج از کشور قرار دارد.

جنبش دانشجویی خارج از کشور با استفاده از تجارب دوران پیش از انقلاب و دوران سال های انقلاب و همچنین امکانات مساعد خارج از کشور باید مرجه زودتر و هر چه قاطع تر بر چند پارچگی خود که بیش از همه به نفع دشمن و خواست او است، پایان دهد. ما همواره خواهان یک جنبش دانشجویی متحد و قدوتمند، در داخل و خارج از کشور، بوده ایم و از هر امکان و ابتکاری در این جهت استقبال می کنیم.

در این رابطه گرایش های مثبتی که اخیراً از سوی برخی نیروها در این جهت دیده شده است، نمی تواند خوشحال کننده نباشد. ولی متأسفانه از سوی دیگر

هستند کسانی که انقلابی گری را در شرایط کنونی حاکمیت ترور و خفقان و پراکندگی نیروها، اعلام مبارزه " قهرآمیز " با نیروهای انقلابی از جمله حزب توده ایران، فدائیان (اکثریت) و ادیسی می دانند. این ها برای نشان دادن درجه

انقلابی گری خود اخیراً چند دانشجوی ایرانی را در یکی از سالن های دانشکده امپریال کالج لندن محاصره کردند و به " اتهام " توده ای بودن به ضرب و جرح آنها پرداختند. آیا این افراد نمی دانند که اعمال آنها چه کسانی را شاد می کند؟ آیا این افراد عرصه دیگری را برای صرف انرژی پیدا نکرده اند؟

ما هیچگاه برای نشان دادن حقانیت خود به چنین شیوه های غیر اخلاقی و غیر انقلابی دست نزده و نسبی زنییم و همه جوانان و دانشجویان مترقی را به مبارزه اصولی ، به بحث و تبادل نظر پیرامون همه مسائل ، از جمله مسائل مورد اختلاف ، دعوت می کنیم .

هر بار که تفرقه در میان جا می گیرد ، به جاست پیام آن جان یگانه را به یاد آوریم ؛ " دشمن در میان ماست ، او جدایی ماست . "

درسی و دومین سالروز ۱۶ آذر ، مروزی بر مهمترین درس های آن روز بزرگ ضرور است :

۱۶- آذر بیانگر خواست اتحادجویانه خلق برای پیروزی بر ارتجاع و امپریالیسم است . این خواست را در جنبش دانشجویی مد نظر قرار دهیم و به برنامه عملی خود تبدیل کنیم . با شعار " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " توده جوانان و دانشجویان را برای کسب حقوق صنفی و دمکراتیک خود و برای ادای سهم در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بسیج کنیم !

۱۶- آذر به مثابه حلقه اتصال زنجیر جنبش دانشجویی است . هر سال در ۱۶ آذر دانشجویان با خود عهد می بندند که به سنن انقلابی جنبش ملی - دمکراتیک مردم وفادار باشند و صادقانه و آگاهانه راه شهیدان جنبش را ادامه دهند . ۱۶ آذر روزی است که نیروهای تازه نفس به جنبش پامی گذارند و تجربه نسل پیشین به نسل جدید و تجربه دوره های بالاتر به دوره های پائین تر منتقل می شود . زنده نگاه داشتن ۱۶ آذر به منزله زنده نگاه داشتن جنبش دانشجویی است . از این رو بایسد تلاش جمعی گسترده ای جهت تدارک بزرگداشت آن صورت گیرد .

۱۶- آذر ، روز افشای ارتجاع و امپریالیسم است . ۱۶ آذر روز آگاهی بر حقوق دمکراتیک و صنفی است . باید تمام تصقیات ضد ملی ، ضد مردمی و ضد دانشجویی رژیم جمهوری اسلامی که ادامه دهنده سیاه جامه رژیم شاهنشاهی است ، افشا شود . ۱۶ آذر را باید به روز بسیج عمومی علیه جنگ ، برای آزادی زندانیان سیاسی ، علیه اختناق و فقر و بیکاری تبدیل کنیم !

۱۶- آذر ، نشانگر اهمیت نقش اتحاد سازمان یافته دانشجویان مترقی است . با تقویت صفوف سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به این ضرورت پاسخ دهیم !

گرامی باد خاطره تابناک شهیدان قهرمان ۱۶ آذر !
دروود بر دانشجویانی که درس اتحاد آموختند

جوانان ایران ! برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبارزات خود را تشدید کنیم !

"سازمان ملل متحد به خاطر اهمیت حیاتی امر "صلح" برای همه ساکنان روی زمین، سال ۱۹۸۶ را "سال صلح" اعلام کرده است.

به امید آن که در سال صلح - که با شتاب فرا می‌رسد - شاورده استقرار صلح پایدار جهانی افکنده شود و تولید فزاینده سلاح های ویرانی و کشتار همگانی، که هم اکنون نیز قادر است چندبار کره زمین را با هر چه در آن است نابود کند، پایان پذیرد، و بشریت و تمدن او از انهدام قطعی رهایی یابد، به انتشار نوشتاری درباره صلح که "آرمان بشریت است" می‌پردازیم.

از همه جوانان آزادیخواه و انساندوست میهن مان، از همه مواداران صلح، صمیمانه خواستاریم که در "سال صلح" بر تلاش های خود در راه نیل به این هدف مقدس بیفزایند، چرا که تنها اراده خلل ناپذیر توده هاست که می‌تواند صلح پایدار جهانی را بر کرسی نشاند و خطر جنگی نابود کننده انسان و تمدن او را براندازد.

صلح پایدار آرمان بشریت است

(۱)

توده‌ها صلح می‌خواهند

کره زمین علاقه وافر دارند که در این راه تدابیر خودی و موثر اتخاذ و گامهای قطعی برداشته شود. وخامت جدی موقعیت بین المللی چنین وظیفه ای را در برابر بشریت قرار داده است.

قطع مسابقه تسلیحاتی، خلع سلاح و ایجاد صلحی پایدار وظیفه ای است که به همه خلقهای جهان و همه دولت‌های کوچک و بزرگ ارتباط می‌یابد. همه مردم جهان در همه نقاط

وظیفه خلع سلاح و تامین صلحی استوار فقط

امپریالیستی هستند که جنگ را چون وسیله‌ای برای پیروزی از بحرانهای اقتصادی و اجتماعی برای تداوم غارتگری‌ها و به دیگر سخن برای حفظ موجودیت خود می‌نگرند.

به همان دلیل که علاقه محافل امپریالیستی و اصرار آنها در ایجاد توسعه جنگهای ویرانگر و خاتمان پرانداز و اسارتبار در سرشت آنان نهفته و با بافت اقتصادی - اجتماعی آنان عجین شده است، علاقه کشورهای سوسیالیستی به تامین صلحی پایدار و اصرار آنها در پیشگیری و از میان بردن جنگهای غارتگرانه امپریالیستی در نهاد نظام اجتماعی آنان سرشته است. کشورهای سوسیالیستی بنا بر ماهیت سوسیالیسم نمی‌توانند طرحهایی دایر بر تصرف سرزمینهای دیگران و فتوحات نظامی و غصب منابع ثروت خلقهای دیگر و پرده کردن انسانها در سرداشته باشند، و بنا بر این نمی‌توانند جنگ طلب باشند. بقای سوسیالیسم و تداوم شکوفائی آن در پرتو خلع سلاح عمومی و تامین صلحی پایدار امکان پذیر است، و چنانکه لنین تاکید می‌کرد "خلع سلاح آرمان سوسیالیسم است".

خلع سلاح عمومی گام اساسی در راه تامین صلح و امنیت بین المللی است. صلح جهانی و ایمنی خلق‌ها به دست نمی‌آید مگر با خلع سلاح کامل و عمومی، بویژه در درجه اول سلاحهای هسته‌ای، با کنترل موثر بین المللی. مسابقه کنونی تسلیحاتی در سوتقیمت بین المللی و منفی به نهایت خطرناک به وجود آورده است. اگر این وضع برقرار باشد، یعنی تولید هرچه وسیع تر سلاحهای مخرب تر برد گسترده تر همچنان ادامه یابد، احتمالاً در آینده انواع تسلیحات جدیدتر و سیستم های تازه‌تر و پیچیده تر و در همین حال نابودکننده تر پدید خواهد آمد و کار تامین

توجه ایمنی خلقها نیست بلکه همچنین پیشرفت اجتماعی و اقتصادی انسان در گرو آن است. چرا که آن مذبح مادی و نیروهای انسانی که باید برای بهبود بخشیدن به شرایط زیستی انسان و پیشرفت اجتماعی او به کار افتد برای تولید هرچه بیشتر سلاحهای کشتار جمعی و ویرانی فراگیر، و نیز تکمیل و انبساط کردن آنها مصروف می‌شود. هرگاه بشریت نتواند به هدفهای اساسی خود - یعنی پیشگیری از یک جنگ جهانی دیگر، تضمین صلحی پایدار و خلع سلاح عمومی - دست یابد نگاه در برابر او دیدگاههایی باشکوه باز و هموار خواهد شد و جهان ما برای حل و فصل بسیاری از مسائل مهم حیاتی که امروزه در برابر ساکنان روی زمین قرار دارد فرصت و آمادگی خواهد یافت. کافی است تنها بخشی از منابع و وسایلی که امروزه برای تولید سلاحهای مرگبار مصروف می‌شود برای بهره‌روی انسان به کار افتد تا میراث گذشته استعمارگرستی و انواع بیماری‌ها و بیسوادی - برای همیشه از جهان رخت بر بندد.

مردم جهان جنگ نمی‌خواهند. توده‌ها نه بر منافع ثروت یکدگر چشم دوخته‌اند، نه خیال حمله به کشوری را دارند و نه قصد تصرف سرزمین دیگران و مستعمره کردن اراضی آنان را در سر می‌پروراندند. در نهاد توده‌های اروپایی وجود ندارد که از سلطه نظامی و سیاسی و تصرف منابع و سرزمینهای دیگران سودی برای خود ببینند. توده‌ها از معاملات انحصارهای سرمایه‌داری و کمپلکس‌های نظامی - صنعتی که سراسر کره زمین و ساکنان آن را به چشم بازار اسلحه و مصرف کنندگان آن نگاه می‌کنند نفرت دارند. این کشورهای امپریالیست هستند، که از جنگ و کشتار انسانها سودهای سرشار می‌برند و به همین جهت جنگ طلب اند. انحصارهای

خارجی که لغین آن را با عنوان " فرمان صلح " نوشته بود تصویب کرد. در این فرمان هدف " رهاساختن بشریت از هراسهای جنگ و پیامدهای آن ... " در حد نظر بود.

در ماده ۲۸ قانون اساسی اتحاد شوروی سیاست خارجی این کشور برای تحقق هدفهای اساسی به شرح زیر تصریح شده است: " تأمین شرایط مساعد بین المللی برای ساختن کمونیسم در اتحاد شوروی، دفاع از منافع دولت اتحاد شوروی، تقویت مواضع سوسیالیسم جهانی، حمایت خلق‌هایی که در راه آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند، پیشگیری جنگهای تهاجمی، دستیابی به خلع سلاح عمومی و کامل و تعقیب آگاهانه و مسرانه اصل همزیستی مسالمت آمیز با دولت‌های دارای نظامهای متفاوت اجتماعی ".

ندای صلح خواهی اتحاد شوروی تا امروز حتی لحظه‌ای از طنین افکندن بازمانده است. اتحاد شوروی در همه عرصه‌های سیاست خارجی با استفاده از همه فرصت‌ها و امکانات پیشنهادهای صلح جویانه خود را ارائه کرده و با پافشاری تحقق آنها را خواسته است. اما، چنانکه می‌دانیم، همه این پیشنهادها همواره مورد مخالفت یا بی‌اعتنایی محافل جنگ طلب امپریالیستی جهان و در رأس آنها امپریالیسم امریکا قرار گرفته است.

اتحاد شوروی در جریان جنگ دوم جهانی ۲۰ میلیون نفر را از مجموع ۵۰ میلیون کشته جنگ قربانی داد. بر اثر این جنگ ۱۷۱۰ شهر و ۷۰ هزار روستای شوروی سوخت و ویران شد، ۳۲۰۰ حوسه بزرگی صنعتی آن کشور نابود گردید، و ۶۵۰۰۰ کیلومتر راه آهن منهدم شد. خسارت جادی این کشور به رقم نجومی ۲۶۰۰ میلیارد روبل بالغ گردید. طبیعی است که چنین کشوری نمی‌تواند جنگ طلب باشد.

صلح به مراتب بفرنج تر و دشوارتر خواهد شد. بدین سان هرچه زمان بگذرد نه تنها موقعیت بین المللی و خیم تر می‌شود، بلکه بر اثر پیچیده شدن سلاحها، کنترل بین المللی آن نیز دشوارتر و چه بسا غیر ممکن، و لذا جنگ جهانی اجتناب ناپذیر خواهد شد.

با گسترش فزاینده چنین خطری است که نیروهای سیاسی و اجتماعی در همه کشورها بیش از پیش به وخامت وضع جهانی که در آن به سر می‌بریم، به خطر عام و فراگیری که همه ساکنان روی کره زمین را تهدید می‌کند، وقوف می‌یابند و لاجرم به لزوم اجرای تدابیر واقعاً موثر برای محدود کردن و کاستن دامنه تسلیحات و سرانجام نابود ساختن انواع سلاحها تلاش می‌کنند.

بشریت هیچگاه تاکنون در برابر خطری چنین مرگبار و نابودکننده قرار نداشته است، و هیچگاه مانند امروز وظیفه حیاتی و فوری خلع سلاح عمومی و پیشگیری از وقوع یک جنگ جهانی جدید و تأمین صلحی پایدار را در برابر خود ندیده است.

در این گفتار به توضیح این مسئله اساسی می‌پردازیم و اجمالاً نیروهای طرفدار صلح جهانی و قوای شیطان‌ی طالب جنگ را بررسی می‌کنیم:

صلح و سوسیالیسم

اتحاد شوروی و کشورهای اردوگاه جهانی سوسیالیسم سیاست لغینی صلح را دنبال می‌کنند. اتحاد شوروی از نخستین روز پیدایش خود در راه به دست آوردن بهترین تضمین‌ها برای امنیت نوده‌ها، برای همکاری گسترده بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز تلاش کرده است. فردای روز پیروزی اکتبر - ۲۶ اکتبر (۲۸ نوامبر) ۱۹۱۷ - دومین کنفرانسورها نخستین سند خود را در باره سیاست

برای محدود کردن تسلیحات استراتژیکی ("سالت ۱" در مورد نیرومندانترین و خطرناک ترین سلاح ها، کفتگوهایی میان شوروی و آمریکا روی داد. به رغم مخالفت های بسیار از جانب نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی جهان، موافقتنامه های دو جانبه ای که معطوف به متوقفه کردن مسابقه تسلیحات در برخی شاخه ها بود امضاء شد. در پی این اسناد، طی هفت سال کار سخت و مداوم، پیمان "سالت ۲" در سال ۱۹۷۹ به امضاء رسید. اما این پیمان هرگز از جانب ایالات متحده آمریکا تصویب نشد.

اتحاد شوروی در دومین نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (سال ۱۹۸۲ درباره خلع سلاح) تعهد اجتنابی و بیسابقه ای را اعلام کرد و آن این که در به کار بردن سلاح های هسته ای پیشقدم نخواهد شد. مر چند این تعهد صلح جویانه و جسورانه با توفانی از کف زدن ها استقبال شده. اما کشورهای ناتو در برابر این هیچنان بی تفاوت ماندند. در حالی که اگر همه دولت های بزرگ به تبعیت از تصمیم شوروی به چنین تعهدی تن در دهند وحشت جنگ ویرانگر اتمی از میان برخواهد خواست

در مراسم چهلمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد - نیویورک - "شوارد نادره" وزیر امور خارجه شوروی هنگام بحث درباره مهمترین مسایل عمومی نقطه نظری دولت متبوع خود را در خصوص مسئله مهم و حیاتی خلع سلاح عمومی و تأمین صلح پایدار به تفصیل بیان کرد. او ضمن تشریح علل به وجود آمدن شرایط بحرانی و ناخفکار کنونی در مناسبات بین المللی گفت آنهايي که در آغاز سالهای ۸۰ حاصل مذاکرات جهانی صلح را به هیچ گرفتند، آنها که برنامه هایی درباره نظامی کردن فضا در پیش دارند، آنها که در گوشه و کنار جهان در هر جایی که بتوانند

هنوز جنگ به پایان خود نرسیده بود که اتحاد شوروی به بازسازی سرزمین ویران و سوخته خود پرداخت و در پایان مخیسات نیز بیدرتک خلع سلاح نیروهای جنگی خود را آغاز کرد و حدود ۵۰۰ میلیون نفر از رزمندگان جنگی را به خانه های خود بازگردانید. در سال ۱۹۷۸ شوروی کمتر از سه میلیون نفر زیر سلاح داشت.

ایالات متحده آمریکا برعکس، تلخی جنگ های جهانی اول و دوم را در بیروزمین خود احساس نکرد. به گفته روزنامه نگاران آمریکایی بر اثر این جنگها حتی یک ضربه تیرکمان نیز بر آن کشور وارد نیامد. آمریکا از نظر مالی و صنعتی از جنگ دوم یوده های سرشار به دست آورد. در پایان جنگ این کشور ۶۰ درصد فرآورده های صنعتی جهان - از جمله ۵۰ درصد فولاد - را تولید می کرد و ۸۰ درصد ذخایر طلای دنیا را در اختیار داشت.

برای همه جهنمیان روشن است که اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۸ در چهاردهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در پی پیشنهادهای مکرر قبلی، طرح تاریخی خود را درباره خلع سلاح فراگیر و کامل ارائه کرد. این طرح نه تنها به نیروهای زمینی، هوایی، دریایی، ستادهای ارتش و مدارس نظامی معطوف می شد، بلکه انهدام کامل همه انواع بیبیه های اتمی و هیدروژنی و موشکهای گوناگون و سلاحهای شیمیایی و پاکتیزولوژیکی را نیز در بر می گرفت. بدیهی است که محافل جنگی طلب امپریالیستی نمی توانستند با چنین طرحها و پیشنهادهایی موافق باشند!

طی سالهای بعد، در پی امواج گسترده مواداری از صلح و بر اثر روح ابتکاری و سازنده پیشنهادهای شوروی، در امر خلع سلاح عمومی جهت گیری هایی مثبت و مهم پدید آمد و راه هایی گشوده شد. از جمله

مسالمت آمیز فضای غیر نظامی"
فرامی خوانند.

"شوارد نادهز" پس از طرح مسایل حاد بین المللی و ارائه راه حل های مسالمت آمیز، در پایان گفت: لازم است مکانیسم سازمان ملل برای بهره گیری از همه امکانات در پیشرفت به سوی ایجاد جهانی بهتر، جهانی بدون جنگ، بدون سلاح، بدون کانون های تهاجم، بدون برخوردهای مسلحانه، جهانی فارغ از استثمار و ستم، به کار افتد؛ و اضافه کرد: حیثیت سازمان ملل در گرو دفاع از حقوق و منافع خلق ها، دفاع از صلحی پایدار است. فقط همت و تلاش همگانی همه دولت ها می تواند انسانیت را از خطر نابودی به رهازند....

باتوجه به این حقیقت است که یکی از شعارهای رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت شصت و هشتمین سال انقلاب اکتبر، چنین است: "مردم جهان! مبارزه خود را برای جلوگیری از تهدید جنگ هسته ای و مسابقه تسلیحاتی در قضا و زمین گسترش دهید!"

و باز با توجه به این حقیقت است که مذاکرات تاریخی سران اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا (ژنوا - ۱۹ تا ۲۱ نوامبر سال ۱۹۵۵) که در آن قبل از هر چیز مسئله اسکان دور کردن خطر جنگ جهانی و ایجاد شالوده یک صلح پایدار مطرح گردید، تا آنجا مورد علاقه و توجه حکومت شوروی و همه مردم آن سرزمین بود که از ماه ها قبل از آن همه مسایل مهم دیگر را تحت الشعاع قرار داد، و در آینده نیز به تمرکز سنجیدن این گفتگوها، سرلوحه همه اقدامات مهم شوروی در عرصه بین المللی خواهد بود.

(ادامه دارد)

برای ایجاد جو تشنج و پرتنش، جنگ های مخفی اعلام شده یا اعلام نشده را دامن می زنند و صدها هزار انسان را قربانی ملامت خود می کنند، آنها، یعنی حکومت ایالات متحده آمریکا و متحدان او در ناتو، موقعیت جهانی را به این درجه از وخامت کشانیده اند.

وزیر خارجه شوروی درباره ملاقات آینده سران شوروی و آمریکا در ژنو تاکید کرد که مذاکرات سران دو دولت باید بر زمینه مسایل کلیدی و مهم عصرها متمرکز شود؛ چگونه می توان به تسلیح فضا و نظامی کردن آن پایان داد، چگونه می توان تسلیحات هسته ای را در روی زمین محدود کرد، کاهش داد و از میان برد و چگونه باید شالوده استراتژیک صلح را استحکام بخشید؟ او همچنین ضمن توضیح اقدام های تازه یکجانبه ای که اتحاد شوروی برای مساعد کردن جو بین المللی به عمل آورده است، پیشنهاد های دولت خود را در زمینه توقف مسابقه تسلیحات هسته ای، شیمیایی، سلاح های قراردادی و نیز کاهش تعداد سپاهیان دو طرف، و مهتر از همه، قطع فوری روند تسلیح فضا و نظامی کردن آن برشمرد و توجه دولت های عضو سازمان ملل را به ویژه دو برابر خطر فوری و بزرگ نظامی کردن فضا و لزوم جلوگیری از آن جلب کرد.

وزیر خارجه شوروی هشدار داد که بشریت در برداشتن نخستین گام ها به منظور تسخیر فضا اینک بر سر دو راهی سرنوشته قرار گرفته است؛ یا بهره گیری از فضا برای بهبود شرایط زندگی در سیاره ما، یا برخورد با آن چون منبعی جدید برای تداوم جنگ جهانی دیگر و توسعه دامنه تخریب تمدن و نابودی انسان ها، او اعلام کرد که دولت اتحاد شوروی همه کشورهای جهان را برای همکاری بین المللی در اجرای پژوهش های

دو برخورد متفاوت به امر صلح

۲۴ اکتبر (۲ آبان) امسال، چهلمین سالگرد تاسیس سازمان ملل برگزار شد. اجلاس های سازمان ملل در طول چهل سال، شاهد موضع گیری های اصولی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در دفاع از امر صلح و ناظر مواضع جنگ طلبانه دول امپریالیستی و در رأس همه ایالات متحده آمریکا بوده است. کافی است به نتایج آراء، طبق اسناد سی و نهمین مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۴ نظر بی

المکتوب:

موضوع (پیشنهاد کننده)	تعداد آراء موافق	مخالفین	امتناع از شرکت در رأی کمیته
جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی (شوری)	۱۵۰		ایالات متحده آمریکا
حکومیت سیاست تروریسم دولتی (شوری)	۱۱۷		ایالات متحد آمریکا، کشورهای عضو پیمان ناتو، اسرائیل و شیلی
ترقی فوری آزمایش سلاحهای اتمی (شوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی)	۱۲۲	آمریکا و انگلستان	۲۴ کشور
متوجهیت سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی (اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی)	۸۴	آمریکا	۶۲ کشور
منع سلاح نوترونی (کشورهای سوسیالیستی)	۷۱	آمریکا، فرانسه و انگلستان	۵۳ کشور
تسبیب امنیت کشورهای فاقد سلاح هسته ای در برابر تهدید سلاحهای هسته ای (شوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی)	۱۰۴	آمریکا و دیگر کشورهای غربی	۲۰ کشور
پیشنهاد تنظیم قانون علیه ارتکاب جرم نسبت به صلح و امنیت بشر (کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد)	۱۲۲		آمریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو
تقویت اعتماد در مناسبات اقتصاد بین المللی (لهستان)	۱۱۱	آمریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو	۱۲ کشور
حق زندگی صلح آمیز برای ملت ها (مغولستان)	۹۲		آمریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو

به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی قیام ۲۱ در آذربایجان

مصاحبه با دوتن از مسئولین حکومت ملی آذربایجان

" حکومت ملی آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۳۴ برپایه تشکیلاتی و پشتیبانی قشرهای دمکراتیک خلق تشکیل شد. حکومت ملی مبارزه در راه دمکراسی و علیه انجیرانیسم و ارتجاع، تامین حق تعیین سرنوشت مردم آذربایجان در عین حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، تابع ساختن جنبش دمکراتیک آذربایجان به منافع انقلاب ایران و تبدیل آذربایجان به تکیه گاه برای جنبش سراسر ایران - چنین بود وظایف عمده ای که حکومت آذربایجان در برابر خود قرار داده بود."

از سزهایی درباره جنبش ۲۱ آذر (۱۳۳۴-۱۳۳۵) آذربایجان،

مصوبه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

برای آشنایی بیشتر نسل جوان با تاریخ مبارزات و رهایی بخش خلق های میهن مان، و یکی از درخشان ترین صفحات آن یعنی تشکیل دولت ملی آذربایجان و به ویژه وضع جوانان در این دوره، مصاحبه ای با دوتن از مسئولین حکومت ملی، رفقا ج.م.م - و م - چ ترتیب داده ایم. رفیق ج.م.م از شاگردان خسرو روزبه، اکبر اسکندانی و احمد رصدی می باشند. رفیق در جنگ با انگلیس ها و قیام افسران خراسان شرکت داشتند و در ۲۶ سالگی با عنوان رئیس ستاد ارتش خلقی آذربایجان خدمت می کرد. بعدها رفیق تحصیلات خود را در رشته تاریخ ادامه داد و کتب و مقالات بسیاری در زمینه ۲۱ آذر نگاشته اند " جنبش های رهایی بخش خلق های ایران " " کنفل محمد تقی خان و جنبش مردم خراسان " " مبارزان دلیر رلازادی " از آن جمله می باشند.

سوال: با توجه به آن که تا قبل از قیام آذربایجان در ۱۲ آذر ۱۳۳۴، بیش از ۹۰ درصد مردم بی سواد بودند و فقط در تبریز چند دبیرستان وجود داشت، خواهش می کنم پرایمان بگوئید که دستاوردهای حکومت ملی در عرصه مقابله با بیسوادی و گسترش شبکه آموزشی چه بوده است؟

جواب: پس از پیروزی نهضت ۲۱ آذر، حکومت ملی آذربایجان لویحی درباره آموزش رایگان، آموزش به زبان آذربایجانی، گسترش شبکه سوادآموزی، احداث مدارس و مدارس حرقه ای و تاسیس دانشگاه به مجلس ملی فرستاد. در طول مدت یک سال با کمک مردم به ویژه روستائیان در حدود ۲۰۰ مدرسه ابتدایی در شهرها و

روستاها احداث گردیدند. این مدارس به نام قهرمانان خلق حیدر عمواوغلی، ارانی، خیابانی، و ۲۱ آذر نامگذاری شدند. معلمین این مدارس در طلبخانه و از طریق حکومت ملی به منظور سوادآموزی روانه روستاها می شدند. دختران و پسران عضو سازمان جوانان فرقه دمکرات آذربایجان در کلاس های شبانه، در کارخانجات و در روستاها به سوادآموزی مشغول بودند. تا آن زمان تنها ۱۰ درصد از کودکان (فقط کودکان وابسته به قشرهای ثروتمند و متوسط) که به سن تحصیل رسیده بودند، می توانستند به مدرسه وارد شوند. ولی بر اثر اقدامات حکومت ملی جهت آموزش و تربیت فرزندان زحمتکشان، این رقم ۸ برابر شد. حکومت ملی آذربایجان به منظور اجرای وظایف خطیری که در امور آموزشی و فرهنگی در مقابل خود گذاشته بود، ۴۰ درصد از بودجه را به این امر اختصاص داد.

به منظور تقویت زبان و فرهنگ ملی، قرار بر آن شد تا تدریس در مدارس آذربایجان تا کلاس سوم فقط به زبان آذربایجانی و پس از آن به موازات زبان فارسی آموزش داده شود. قانون، درباره کودکان خلق کرد و دیگر اقلیت های ملی و یا مذهبی نظیر آسوری، ارمنی و... آموزش به زبان مادری شان را مقرر کرده بود. کتاب های درسی از مضمون افکار پوسیده شاهنشاهی و خرافات و موهومات ضد علمی تهی گردید و با صرف مبالغ هنگفتی کتب درسی با آموزش های مترقی در فضای انسان دوستی، مبین پرستی، صلح و دوستی خلق ها و انترناسیونالیسم به زبان آذربایجانی چاپ گردید.

سؤال : در زمینه آموزش فنی - حرفه ای و تربیت کادرهای متخصص ملی چه برنامه ریزی هایی شد؟

پاسخ : حکومت ملی، تربیت کادر متخصص را یکی از وظایف جدی آموزش و پرورش تلقی می کرد. این کادرها باید در خدمت صنایع و کشاورزی موجود رشد و گسترش آن قرار می گرفتند. به همین منظور در آغاز آموزشگاه چهار ماهه کشاورزی در رشته های کشاورزی، دامداری، باغبانی، پرورش ابریشم و زنبور سل در تبریز تأسیس شد. کار آموزان این آموزشگاه که غالباً از فرزندان زحمتکشان روستا بودند، مبلغ ۲۰ تومان کسک هزینه آموزشی دریافت می کردند.

آموزشگاه های دیگری در رشته های مکانیک، رانندگی، راهسازی و مخابرات که دوره آن ۲ سال بود، تأسیس شد. این آموزشگاه ۳۵ تومان کسک هزینه به کارآموزان خود می داد.

آموزشگاه های حرفه ای جداگانه ای برای دختران در رشته های تعلیم و تربیت، پرستاری، ماساژی و پزشکیاری گشوده شد.

سؤال : چه اقداماتی در زمینه آموزش عالی برای جوانان آذربایجان صورت گرفت؟

جواب : شما می دانید که تا این زمان در تمام آذربایجان حتی یک دانشکده و آموزشگاه عالی نبود. حکومت ملی دانشگاه دارالفنون را که موقفاً شامل سه رشته پزشکی، کشاورزی و تربیت معلم در رشته های گوناگون بود، تأسیس نمود. پس از سرکوب نهضت، برای آن که شاه تأسیس دانشگاه را به نام خود ثبت نماید، نام

آن را به دانشگاه تبریز تغییر داد.

سؤال: حکومت ملی آذربایجان به مثابه قدرت انقلابی زحمتکشان، برای زحمتکشان شهر و روستا چه کارهایی انجام داد؟

جواب: یکی از مهمترین دستاوردهای حکومت ملی در طول یک سال حیات پربار خود قانون کار ۵۲ ماده ای، مصوب مجلس ملی آذربایجان بود. هدف این قانون بهبود زندگی زحمتکشان و دگرگونی های بنیادین در شرایط کار آنها بود. از جمله مواد مهم آن: هشت ساعت کار در روز، حق تشکیل اتحادیه های کارگری، بیمه کارگران، حق اعتصاب برای کارگران، ممنوع کردن کار برای کودکان کمتر از ۱۴ سال، سه ماه مرخصی با حفظ محل کار و کلیه حقوق به زنان با زدار و دستمزد مساوی در برابر کار مساوی بدون در نظر گرفتن جنس و سن بود. در قانون کار پیش بینی شده بود که به جوانان کارگری که خواهان تحصیل و یا تشکیل خانواده هستند، کمک مادی شود و کار آنها متناسب با توانایی جسمی شان تعیین گردد. برای کارگران روستایی خوابگاه ساخته شد. در کنار کارخانه ها، مهد کودک دایر گردید. اداره کل قالیبافی وابسته به حکومت ملی اعلام نمود که برای کارگاه های قالیبافی باید هوا و نور کافی تامین شود. در غیر این صورت اقدام به بستن کارگاه ها خواهد کرد.

در ماده ۴۶ قانون مربوط به آموزش و فرهنگ مصوبه مجلس ملی گفته می شد که کارگران بی سواد باید در کلاس های سوادآموزی شرکت کنند و بدین منظور یک ساعت زودتر از کار آزاد شوند. شبکه مدارس حرفه ای برای ارتقاء آموزشی کارگران جوان در شهرهای آذربایجان گسترش یافت. خانه های آموزش به منظور گرفتن تخصصی و یا افزایش تخصص ایجاد گردید. شایان توجه است که اتحادیه های کارگران در زمینه های آموزشی، فرهنگی، ورزشی برای کارگران جوان گروه های سوادآموزی، تیم های ورزشی، گروه های تئاتر و دیگر رشته های هنری را ترتیب می دادند.

این اقدامات برای جوانان روستایی نیز صورت می گرفت. تا زمان تاسیس حکومت ملی در آذربایجان بیش از ۸۰ درصد زمین هاد دست مالکین بزرگ و فئودال ها بود و فقط ۸ درصد آن در دست روستائیان قرار داشت.

تقسیم زمین به طور مجانی و بلاعوض بین دهقانان و طرده همه آن قوانین رسی و غیر رسی که موجب وابسته نمودن دهقانان به زمین می شد و یا شخصیت آنها را مورد تحقیر قرار می داد و از نظر اقتصادی به زیان آنان بود، چهاره روستا را یک باره و به کلی دگرگون ساخت. از این پس دختران و پسران جوانی که تاکنون در خدمت ارباب بوده و برای آن پیگیری می کردند، از این ستم آزاد شدند.

مجانی شدن تحصیل و بهداشت، راهسازی در روستا، ایجاد خانه های فرهنگی-آموزشی تاسیس مراکز بهداشتی، ساختمان مدارس و کلوب ها، ایجاد دوره های آموزشی تربیت متخصصین کشاورزی، سرمایه گذاری حکومت ملی برای گسترش صنایع کشاورزی و اقدامات دیگر، حوادث بسیار مهمی در زندگی روستائیان بود. به منظور اداره امور به دست مردم، انجمن ده تشکیل شده بود. در این انجمن ها یک نفر به نام مسئول امور جوانان، به منظور رسیدگی به امور و نیازمندی های جوانان

ده تعیین شده بود. در چنین شرایطی دهقانان آذربایجان، افق روشنی را در پیش روی خود برای زندگی آینده می دیدند.

سؤال: نقش جوانان در آرگان های مسلح خلق برای دفاع از دستاوردهای حکومت ملی چه بود؟

جواب: نیروی اصلی پیروزی نهضت جوانان بودند که ۸۰ درصد نیروهای منظم نظامی، نیروی مردمی فدائیان، نگهبانی و غیره را شامل می شدند. دفاع از شهر را جوانان برعهده داشتند و از دستاوردهای جنبش جانانه دفاع کردند. در این زمینه کافی است اشاره کنم که هنگام یورش شاه جلاهد برای سرکوب نهضت آذربایجان پنج هزار نفر از شهدای ما از میان جوانان بودند.

سؤال: رفیق م با سیاس از این که با علاقه فراوان وقت خود را در اختیار ما گذاشتید، بفرمائید که از مهمترین درس های حکومت ملی چه بود؟

جواب: اولین آموزش مهم در نهضت آذربایجان، موفقیت ما در راه تشکیل جبهه واحد از کارگران، دهقانان و سایر اقشار و طبقات ملی و ضد امپریالیست بود. آموزش دیگر تلاش و مبارزه جوانان آذربایجان در کنار خلق کرد و فارس، ارمنی و آسوری و ... و شادوش هم در آذربایجان بود. جوانان میهن ما از خلق های گوناگون، با مذاهب مختلف در راه آرمان مشترک خود از جان هم گذشتند. شما می دانید که ارتجاع و امپریالیسم برای تفرقه و انفجار در داخل صفوف نیروهای انقلابی ترقی خواه، به هرکاری دست می زند. این سیاست از جانب امپریالیسم چه در سال های گذشته و چه امروز همچنان به کار گرفته می شود، بنابراین بسیار ضرور است که هشیار و متهد باشیم!

رفیق م - چ از مسئولین حکومت ملی آذربایجان بوده اند و در آن زمان که ۲۶ سال داشتند عضو هیئت اجرایی سازمان جوانان دمکرات آذربایجان و رئیس رادیو ملی آذربایجان بوده اند.

رفیق به پاس خدمات فراوانشان در حکومت ملی به دریافت مدال های "آذربایجان" و "ستار خان" مفتخر گردیده اند.

سؤال: رفیق، لطفاً برایمان از فعالیت های سازمان جوانان دمکرات آذربایجان بگوئید؟

جواب: تا ۱۲ مهر ۱۳۳۴، یعنی تا زمان برگزاری اولین کنگره فرقه دمکرات آذربایجان، سازمان جوانان توده ایران در آذربایجان مشغول فعالیت بود. از این تاریخ به بعد طبق قرار کنگره فرقه دمکرات آذربایجان، این سازمان با تغییر نام به سازمان جوانان دمکرات آذربایجان به فعالیت خود ادامه داد. لازم است بگویم که در کنار سازمان جوانان، تشکیلات پیشاهنگی "اوشاخار تشکیلاتی" به وجود آمد که در میان مردم تبریز به "ستار خان بالالادی" یعنی فرزندان ستار خان معروف بودند.

تیرماه ۱۳۳۵ در خیابان ستارخان تبریز در تالار سخنرانی مدرسه فردوسی، ۱۰۷ نماینده، از ۱۹ شهر و ولایت در اولین کنگره سازمان جوانان دمکرات آذربایجان شرکت کردند. در کنگره گزارش اوضاع سیاسی جهان، ایران و



گروهی از اعضای سازمان جوانان دموکرات آذربایجان
در یکی از دسته های " فدایی "



عکس یادبودی از کنفره اول سازمان جوانان دموکرات
آذربایجان تیرماه ۱۳۲۵ - تبریز

آذربایجان توسط رفیق فریدون ابراهیمی داده شد. پس از گزارش فعالیت های تشکیلاتی، تبلیغاتی و مالی، مرامنامه و اساسنامه سازمان جوانان تصویب گردید. کمیته مرکزی مرکب از ۳ نفر و کمیته تفهیش با ۷ نفر عضو انتخاب شدند. ۱۱ نفر از اعضای کمیته مرکزی که در میان آنها ۲ نفر رفیق دختر نیز بودند به عضویت هیئت اجراییه سازمان درآمدند.

در این کنگره همچنین از سوی رفقا سید جعفر پیشه‌وری (صدر فرقه دمکرات آذربایجان)، ژنرال محمود پناهیان رئیس ستاد ارتش، از طرف فدائیان و وزارت معارف نیز پیام‌هایی خوانده شد و کنگره به کار خود خاتمه داد.

"آذربایجان دمکرات جوانان تشکیلاتی" در سراسر آذربایجان، در شهرهای بزرگ و قصبات تشکیلات داشت. سازمان جوانان در امر سوادآموزی مردم، در عرصه فرهنگی، دفاع مسلحانه از قیام و مقابله با عناصر مسلح دولت مرکزی، نشر افکار مترقی و پیشرو در میان جوانان، بسیج آنان در راه آبادسازی میهن خود، اعم از دختر و پسر، ... کارنامه درخشانی ارائه نموده است.

سئوال: لطفاً برای خوانندگان "آرمان" از دستاوردهای فرهنگی و هنری حکومت ملی و کارسازی جوانان در این زمینه مطالبی بفرمائید.

جواب: پس از تأسیس حکومت ملی برای شکوفایی فرهنگ و هنر خلق آذربایجان امکانات همه جانبه‌ای پدید آمد.

تئاتر شیرو خورشید و آرمیان با دریافت کمک‌های همه جانبه حکومت ملی مجدداً آغاز به کار کردند. تئاتر دولتی شروع به فعالیت کرد. برای اولین بار در شرق نزدیک با کمک هنرمندان و هنردوستان، فیلارمونی دولتی تبریز تشکیل شد. انجمن شعرا و نویسندگان، اتحادیه نقاشان و مجسمه‌سازان با گسترش شعب خود در دیگر شهرهای آذربایجان فعالیت خود را آغاز کرد. موزه‌های زیبا به نام کمال‌الدین بهزاد به وجود آمد. در تمامی شهرهای آذربایجان سینما، تئاتر و کلوب‌های هنری بنا گردید. ارکستر ملی در تبریز و مدارس موسیقی در شهرهای بزرگ آذربایجان تشکیل گردید. به منظور تحرک در امور فرهنگی مبلغ ۴ میلیون تومان بر بودجه اختصاصی وزارت فرهنگ افزوده شد. آموزشگاه عالی هنری گشایش یافت و در آن ۲۰۰ جوان به آموزش در رشته‌های نقاشی، مجسمه‌سازی، گلدوزی و موسیقی مشغول شدند مسئولین بسیاری از این موسسات از میان جوانان بودند.

سازمان جوانان در شهرها، خود دارای گروه تئاتر، موسیقی، کنسرت و رقص و ... بودند، که در برنامه‌های مختلف در شهر و روستا، از جمله در میان فدائیان برنامه هنری اجرا می‌کردند. در دانشگاه و مدارس، سازمان جوانان گروه‌های تئاتر، سخنوری و هنرهای تزئینی دایر نموده و از مربیانی که از طرف حکومت ملی فرستاده می‌شد، استفاده می‌کردند.

سئوال: اقدامات حکومت ملی به منظور بالا بردن درک سیاسی جوانان، اشاعه و گسترش مطالعه و کتاب‌خوانی و ورزش چه بود؟

جواب: تأسیس مدرسه سیاسی به منظور تربیت سخنگو و مبلغ یکی از اقدامات مهم حکومت ملی در زمینه کمک به بالا بردن درک سیاسی آنان بود. کادریایی که در

این مدرسه آموزش می یافتند وظیفه برگزاری بحث های سیاسی و نطق ها را در مجامع جوانان، در میان دانش آموزان و دانشجویان برعهده داشتند. انتشار نشریات متعدد در این دوره نیز از جمله این اقدامات بود.

تشویق جوانان به مطالعه و نهضت کتاب خوانی به موازات نهضت ملی به وجود آمد. کتابخانه ملی در تبریز گسترش یافت. کتابخانه های متعددی در مدارس و دانشگاه تاسیس شد. باشگاه جوانان، باشگاه افسران، دانشسرای دختران نیز هریک دارای کتابخانه بودند.

کتاب های منتشره در تهران و آذربایجان، پاکک های مادی و معنوی حکومت ملی ایجاد شد. ورزش های باستانی و معاصر سرو سامان داده شدند. استخر " ملت کلی" و " پارک ارومیه" برای آموزش فن شنا و با برنامه ریزی های وزارت فرهنگ با مربی در اختیار دانش آموزان قرار گرفت. در ارومیه کلوب کوهنوردان تشکیل شد.

سازمان جوانان دمکرات آذربایجان برای ساختن زمین های فوتبال، والیبال و... با کمک وزارت معارف و نیروی جوانان در محلات کارهای زیادی انجام داد.

سؤال: چه نشریاتی برای جوانان در این دوره منتشر می شد؟

جواب: سازمان جوانان دمکرات آذربایجان، نشریه هفتگی به نام " جوانان" منتشر می کرد. مجله " دمکرات" نیز از انتشارات این سازمان بود. ضمناً گروهی از مجموعه " شاعر لر مجلسی" نیز به مسائل جوانان اختصاص یافته بود. حدود ۹۰ درصد از نویسندگان روزنامه های متعددی که در این دوره منتشر می گردید، از جوانان بودند.

سؤال: برای رفع ختم از زنان در حکومت آذربایجان چه اقداماتی ضرورت گرفت؟

جواب: برای نخستین بار در تاریخ به زنان حقوق برابر با مردان داده شد. بدین ترتیب زنان و دختران ما به همراه کسب آزادی سیاسی از وابستگی اقتصادی نیز نجات یافته، مقام واقعی خود را در خانواده به دست آوردند.

برای اولین بار در ایران و حتی در شرق نزدیک، زنان در انتخابات مجلس ملی، انتخاباتات انجمن های ولایتی، محلی و شهری حق انتخاب کردن و شدن را یافتند. کلوب زنان " خانم لر کلوب" در شهرهای مختلف آذربایجان مرکز تجمع زنان و محلی برای یادگیری خیاطی، گلدوزی، سوادآموزی، تئاتر و... تشکیل شد. در مدرسه سیاسی به دختران جای خاصی داده شد. در فیلا رومنی " گروه رقص دختران" برای اولین بار در تاریخ کشور ما به وجود آمد.

سؤال: با سپاس فراوان از شما، لطفاً بگوئید وضع جوانان در دوره حکومت ملی را مجموعاً چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: فرقه دمکرات آذربایجان در برنامه کار خود توجه قابل ملاحظه ای به جوانان معطوف داشت. فرقه موفق شد تادر پرتو فعالیت های اقتصادی که از سوی بقیه در صفحه ۵

وزارت جنگ یا وزارت آموزش و پرورش

پرورش و فرماندهان سپاه در اهواز برپا شد.
اکرمی، وزیر آموزش و پرورش رژیم،
اعلام کرد:

"در برنامه سینار اختصاص به جنگ و مشکلات رزمندگان دانش آموز و مجتمع های آموزشی رزمندگان در جبهه و پشتاجبهه و راه های بسیج و تعلیمات نظامی دانش آموزان دارد. اولین هدف آموزش و پرورش آن است که تمام قوایش را صرف تجهیز و آموزش ۱۰ میلیون دانش آموز کند" (کیهان ۹۶/۱/۲۲).

همچنین محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران، با جملات زیر از زحمت وزیر و مدیران کل آموزش و پرورش که برای حفظ رژیم دیکتاتوری "ولایت فقیه" از هیچ جنایتی در حق نسل جوان کشور کوتاهی نمی کنند، تجلیل کرد و گفت:

"اگر چه تمام وزارت خانه ها زحمت می کشند و فعالیت هایی انجام می دهند، اما وزارت آموزش و پرورش علاوه بر پشتیبانی و کمک رسانی به جبهه ها، خودش نیز در جنگ شرکت کرده و سازمان منظمی در جنگ ایجاد نموده و به همین جهت در قرارگاه خاتم الانبیا عضویت رسمی پیدا کرده است" (همانجا).

فرمانده سپاه توضیح نمی دهد که افتخار عضویت در "قرارگاه خاتم الانبیا" به قیمت جان چند هزار دانش آموز و به حساب داغدار شدن چند هزار خانواده و وارد کردن چه زیان های جبران ناپذیری به کشور و جامعه ما، نصیب وزارت آموزش و پرورش شده است.

رهنیق دوست وزیر سپاه در همین سخنار گفت:
بقیه در صفحه ۴۲

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ بی فرجام با عراق، به بن بست رسیده است. چهار سال پیش، پس از آزادسازی خرمشهر و نواحی اشغالی شرایط برقراری صلح شرافتدانه و عادلانه بین دو کشور مسایه از مرز نظر فراموش بود. نیروهای انقلابی بویژه حزب توده ایران به موقع درباره خطرات مرگبار ادامه جنگ هشدار دادند. از آن پس تاکنون صدها هزار کشته و مجروح، صدها میلیارد دلار خسارات مادی و تشدید وابستگی به امپریالیسم جهانی در کارنامه شوم جنگ ثبت شده است.

رژیم جمهوری اسلامی که جنگ را به حساب تباه ساختن نسل جوان میهن و نسل های آینده ادامه می دهد، اکنون در تدارک قربانی کردن دانش آموزان دبیرستانی است. در عملیات فاجعه بار "خبیر" ۵۷٪ نیروهای رزمنده را دانش آموزان تشکیل می دادند، اینک رژیم قصد بسیج و اعزام ۴/۵ میلیون دانش آموز به جبهه های جنگ را در سر می پروراند. حجت الاسلام رحمانی، سرپرست بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی، از نیات رژیم یرده برداشت: "از سال تحصیلی آینده آموزش نظامی دانش آموزان دبیرستانی الزامی می شود و بر اساس طرح های تهیه شده یکی از مواد درسی دانش آموزان دبیرستانی خواهد بود، به این منظور کتاب هایی نیز تدوین شده است و در مورد آموزش علی دانش آموزان از اردوگاه های بسیج استفاده خواهد شد". برای اجرای این نقشه ضد بشری در ماه گذشته سیناری با شرکت وزیر آموزش و

فرزندان کار و زحمت (۳)

مبارزات حق طلبانه روستازادگان

هم روستازادگان و مبارزه علیه جنگ

خیانت

در نتیجه آشکار سران جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب مردم ایران و اصرار ورزیدن این سردمداران سرایا ارتجاع به ادامه و فروپاشی کردن این جنگ ضد انسانی برای بقای حیات تنگین سیاسی خود، که در واقع همه دستاوردهای مبارزات حق طلبانه مردم ایران را با خطر جدی مواجه ساخته است. جوانان و نوجوانان روستایی را نیز به مانند همه مردم انقلابی ایران بر آن داشته است که علیه این جنگ خانسان سوز که ویران کننده روستاها و شهرها و نابودکننده حیات انسان هاست باشد. فعالانه به پا خیزند.

سیاست ارتجاعی سران جمهوری اسلامی دایر بر ادامه "جنگ تا پیروزی" تاکنون خسارات مادی و تلفات انسانی جبران ناپذیری برجای گذاشته است و هنوز هم دورنمای روشنی برای پایانش نیست.

کودکان و نوجوانان روستایی آواره از

مناطق جنگی که خانه و کاشانه و کلاس درس و مدرسه خود را از دست داده اند، همراه با درد آواره گی دوسگ از دست دادن پدر و مادر و برادر و خواهر خود نشسته اند. سایه بی پدری و مادری و دریدری آنچنان بر زندگی آنان خیمه زده است که در واقع روح این کودکان و نوجوانان را دارد به تباهی می کشاند. ادامه جنگ منجر به متلاشی شدن بسیاری از خانواده های روستایی شده است و چه بسا اتفاق افتاده است که با کشته شدن یک جوان روستایی در جبهه جنگ خانواده ای

تنها نان آور خود را از دست داده است. دختران جوان و کم سن و سالی که تا دیروز به هنگام کار در مزارع و باغ ها و پهنه زارها و دیگر محل های کار آوازه های محلی را به طور دسته جمعی می خواندند و یاد رصده یادگیری هنر باقندگی و دوزندگی بودند و آرزو داشتند که حداقل چند کلاسی درس بخوانند، هم اکنون در ماتم از دست دادن برادران و شوهران خود نشسته اند.

دراکثر روستاها و عشایر ایران بقا بر سنت هایی که مرسوم است. دختران را با سنین پائین به خانه شوهر می فرستند. در بعضی موارد از همان اولین روز تولد دختر، پدر و مادرش برای آریسریچه ای را به عنوان هسر آینده اش نشان می کنند. وقتی که دختر بزرگ شد حق ندارد کن دیگری را به هسری انتخاب کند. او به ناچار باید با جوانی عروسی کند که همان آغاز کودکی اش برای او در نظر گرفته اند. در مواردی نیز بر اساس سنت های محلی روستایی وقتی که دختر جوانی شوهرش را از دست می دهد، حق ندارد تا آخر هسر با کسی دیگری ازدواج کند. هم اکنون در نتیجه جنایت سران جمهوری اسلامی با ادامه جنگ بی معنا، هزاران دختر جوان شیریه ای و روستایی که دارای سنین کم نیز هستند شوهران جوان خود را از دست داده اند و چه بسا تعداد بسیاری از آنان بر اساس این یا آن سنت روستایی محکومند تا آخر عمر از حق گرفتن هسر و تشکیل خانواده و داشتن بچه و ازده ما حقوق انسانی

دیگر محروم باشند. این زنان جوان روستایی با داشتن داغ از دست دادن شوهران خویش ناچارند برای ادامه زندگی مشقت بار خود، کارهای طاقت فرسای زیادی را انجام دهند از این میان زنان جوانی نیز هستند که کودک ریا کودکانی از هسر کشته شده خود در جنگ به یادگار دارند و درحالی که فتودال ها و سرمایه داران از نیروی کار ارزان این زنان و کودکان و دیگر زحمتکشان روستاها بهره می جویند و در واقع از صهاره جان زحمتکشان تغذیه می کنند. اکثریت کودکان این زنان گرسنه پاهرنه و پاره پرش هستند و هیچ نهاد دولتی و اجتماعی خود را موظف به پاسداری از این کودکان محروم که به جای شهرونی کودکی، زهر تلخ ده ها محرومیت دیگر چون بی پدری و فقیر و را می چشند نمی داند.

ادامه جنگ خانمان سوز از یک طرف منجر به کشته شدن و نابود شدن عده زیادی از روستا زادگان گردیده است و از طرف دیگر موجب گشته است که تعداد بی شماری از روستا زادگان آواره شهرها شوند و نیز سیاست ضد دهقانی رژیم مبنی بر حمایت بی دریغ از تعرض ارتجاع زمین دار و زمین خوار برای بازی گرفتن زمین های دهقانان عملا روستاهای ایران را تا حدودی با کسب و نیروی فعال کار مواجه ساخته است. در این میان مشکل زنان و دختران جوان روستاها و عشاير دوچندان گردیده است. زیرا آنان ناچارند برای گذران زندگی مشقت بار خود ضمن تحمل غم از دست دادن شوهران و برادران خویش، بسیاری از کارهای طاقت فرسای روستا را بدون کمک و همیاری یاوران همیشگی انجام دهند.

و همچنین بخاطر کوشش این جوانان جهت تقویت تشکل هایی چون شوراهای ده و اتحادیه دهقانی و نیز ایجاد تشکل های خاص و ویژه جوانان روستا مثل انجمن تیم های فوژشی و انجمن جوانان روستا و انواع گروه های دوسی و هنری و گروه های یاور (کار) و غیره که از مهمترین اقدامات روستا زادگان برای پیشبرد اهداف انقلاب در روستاها بوده به همراه دهقانان مبارز در این سیاه چال های خود به بند کشیده اند. تا جایی که امروز کمتر خانواده روستایی است که عزیزی در بند سیاه چال ها و شکنجه گاه های قرون وسطایی حکومت نداشته باشد و یا در سوک جگر گوشه ای از دست رفته خویش در جبهه های جنگ داخلی و خارجی ننشسته باشد.

فجایعی که در نتیجه رفتار حیرانی و قساوت های بی شرمانه ج.ا.ا. که می خواهد با بهره گیری از شیوه های غیر انسانی و قرون وسطایی این جوانان در بند را وادار به اقرار

ارتجاع حاکم برای پیشبرد سیاست ارتجاعی و ضد ملی خود، برای ایفای نقش خود در جهت احیای مناسبات منحل

و اعتراف و دروغ، انکار و استغفار بکند، بوجود آمده است. حاکی از این واقعیت زردناک است که تاکنون تعداد زیادی از این جوانان مقاوم و مبارز قهرمانانه به شهادت رسیده‌اند.

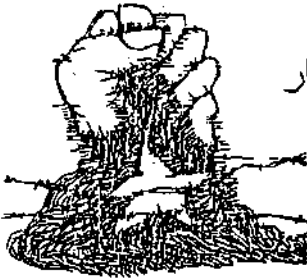
حق فاجعه این است که جوانان فقط بخاطر دفاع از آرمان خویش و دفاع از منافع دهقانان، کارگران و همه زحمتکشان ایران و به اتهام درست اندیشی به شهادت می‌رسند. ماموران رژیم حتی از پس دادن جنازه‌های آنان به خانواده‌هایشان خودداری می‌کند. مواردی پیش آمده است که خانواده ای با گذشتن از بسیاری موانع و اشکال تراشی‌ها و واسطه بازی‌ها متراسته است جسد فرزند عزیز خود را از چنگ ماموران مرتجع در بیاورد. ولی در روستاها موعظه‌های توجیه‌گر و انواع و اقسام فتوای این‌ها یا آن آخوند سر سرفه نشین خان و قُودال مواجه گشته و اجازه نیافته است که جسد جگرگوشه‌اش را که با تحویل انواع سختی‌ها، بزرگش کرده بود، در قبرستان عمومی ده به خاک بسپارد. لذا ناچار است که شهید کلکون کفن خویش را در باغچه یا حیاط‌خانه‌اش که از صبح تا شب در معرض دید چشمان مادرش قرار داده، به خاک بسپارد.

روستازادگان تا سرنگونی جمهوری اسلامی

هم‌اینک که خیانت سران جمهوری اسلامی به آرمان‌ها و آماج‌های اصلی انقلاب مردم زحمتکش ایران آشکار شده است و نقاب تزویر از سیمای کبری‌ه حاکمیت برداشته شده است، روستازادگان جوان نیز به مانند جوانان شهرها و سایر مردم انقلابی ایران یا محک تجربه چهره کبری و خشن و بی‌عاطف جمهوری اسلامی را پیش از پیش در یافته‌اند. روستازادگان جوان بدرستی فهمیده‌اند که

با در پیش گرفتن سیاست خائفانه و عهدشکنانه حاکمیت جمهوری اسلامی همه دست‌آورده‌های مبارزات حق طلبانه شان در معرض خطر جدی قرار دارد. آنان به حق بی‌برده‌اند که باید از هم اکنون در مقابل تعرضی که ارتجاع برای بازپس گرفتن زمین و کشتار و شکنجه و زندانی کردن و آواره ساختن همه زحمتکشان روستا، چه پیر و چه جوان و کودک، آغاز کرده است، چون گذشته همراه و منگام دهقانان زحمتکش در پیوند با اعتراضات و مبارزات جوانان شهرها و کارگران کارخانه‌ها، در مزرعه و مدرسه برای دفاع بیاخیزند.

روستازادگان جوان بویژه دانش‌آموزان روستایی هم اکنون مدرسه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و میدان‌های ورزشی محلات و تجمع‌هایی را که بر اساس سنت‌های روستایی مانند شب نشینی‌ها و مراسم عزاداری و عروسی و غیره تشکیل می‌شود به اشکال مختلف به مکان‌های افشاگری جوانان علیه سیاست ضد مردمی حکام مرتجع جمهوری اسلامی بدل نموده‌اند. زیرا دیگر شعارهای فریب‌کاران و شیادان حاکم برای جوانان روستایی چیزی جز دروغ‌های تهوع‌آور نیست. جوانان روستایی اگر تا دیروز برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور برای بیرون راندن ارتش عراق از خاک میهن‌ها، داوطلب شرکت در جبهه جنگ می‌شوند، امروز به طرق و اشکال گوناگون به مخالفت با ادامه جنگ برخاسته‌اند. عدم استقبال از فراخوان‌های اعزام سپاه و بسیج برای رفتن به جبهه‌های جنگ، سرباز زدن از رفتن به خدمت سربازی، افشای سیاست جنگ طلبان حاکم، از مهمترین شیره‌های مبارزه و مخالفت علنی جوانان روستاهاست. تا جایی که رژیم برای دستگیری سربازان فراری و همچنین بقیه در صفحه ۴۲



زهی پایمردی که آن پایدار وفاز ایسربرد تا پای دار

شهدای مقاومت

هر شب ستاره ای به زمین می کشند و باز
این آسان غمرده قرق ستاره ها است

" آقا رضا " و " آقا تقی " دیگر در میان ما نیستند. رفقا رضا شلتوکی و کی منش، افسران سازمان نظامی و اعضا حزب توده ایران ، در نام پر آوازه ، " پیر پیران " همیشه جوانی که مرکدام بیش از ربع قرن را در زندان های ستم شاهی، داغ آلام و شکنجه بسیار بر تن، در راه انقلاب رزمیدند. بی هراس از سختی زندان و داغ و درفش، بذر آگاهی را در میان نسل مبارزان نورسیده پاشیدند. میراث گذشته را در دست های آینده کاشتنند. آنها شکست ناپذیر با جلوه ای پرشکوه از فضایل انسانی و حقانیت آرمانی حزب و مردم خود را به نمایش گذاشتند و در وجود خویش امید، پایمردی و پیروزی را به یقین آمیختند:

وقتی از آقا رضا پرسیدند: " چرا عمرت را تلف می کنی؟ یک معذرت می خواهم بگو و برو... آقا رضا لبخند استهزا بر لب گفته بود: " عمری که در مبارزه می گذرد تلف نمی شود، این شماست که یک معذرت درست و حسابی به من و رفقایم بدهکارید. "

" وقتی مامور ساواک از من پرسید، آیا شا فکر نمی کنید که آن موقع که این راه را انتخاب کردید جوان بودید و اشتباه کردید؟ گفتیم ، آن موقع ۲۲ سال داشتم ... و بعد از مطالعات فراوان تقاضای عضویت حزب توده



ایران را کردم. بعدا گفت آیا فکر نمی کنید که در عقیده ات در این مدت تغییراتی پیدا شده؟ گفتم ، بله ، همه چیز در حال تغییر است ، من هم هر روزی که از مردم می گذرد مومن تر و معتقدتر می شوم ... " (از خاطرات تقی کی منش)

آری چنین که این دو گوهر تایان همراه با همسر زمان نسل خود و نسل های جدید مبارزان بر فراز دست های ملتی بپا خواسته ، پس از آن همه زندان و شکنجه طعم آزادی را چشیدند، و از پشت میله ها و دیوارهای قتلور



زندانیان را رها شدند و در آغوش پیرمهر توده ها جای گرفتند.

رفیق رضا شلتوکی در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه متولد شد. در سال ۱۳۳۴ به عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران درآمد. پس از آن وارد دانشکده افسری شد و فعالیت خود را در سازمان نظامی حزب ادامه داد. در شهریور ۱۳۳۳ دستگیر شد و بیش از ۲۵ سال در زندان های قصر، اوین، مشهد و پرازان بسر برد. در آبان ماه سال ۵۷ در آستانه انقلاب بهمن پناه مردم انقلابی او را از زندان آزاد کردند.

رفیق تقی کی منش در سال ۱۳۰۱ در رشت بدنیا آمد. از ۶ سالگی به کار سلمانی نزد برادرش و کفافی نزد همیش و نانوائی نزد شوهر عمه اش پرداخت. در ده سالگی به مدرسه رفت و ضمن کار به تحصیلات خود ادامه داد. در سال ۱۳۳۳ عضو حزب توده ایران شد و در همین سال به دانشکده افسری راه یافت. بعد از ۶ ماه از دانشکده افسری بیرون آمد و در رشته فیزیک دانشکده علوم ادامه تحصیل داد. در سال ۱۳۳۶ مجدداً به دانشکده افسری رفت و از بدو ورود در سازمان نظامی حزب توده ایران به فعالیت پرداخت. در شهریور ۱۳۳۳ دستگیر و به اعدام محکوم شد. اما در اثر اقدامات جهانی، مخصوصاً اردوگاه سوسیالیستی و در راس آن اتحاد جماهیر شوروی حکم اعدام او ۴۷ نفر از یارانش به حبس ابد تبدیل گردید. رفیق تقی کی منش ۲۵ سال در زندان ها بسر برد که ۱۲ سال آن در زندان قصر تهران، ۶ سال و چند ماه آن در دوزخیت در تبعیدگاه پرازان و ۶ سال و چند ماه بقیه در زندان عادل آباد شیراز سپری شد. در سوم آبان ماه ۵۷ در آستانه انقلاب بهمن بوسیله مردم از زندان آزاد شد.

رفقا شلتوکی و کی منش پس از آزادی تا

دستگیری مجدد در بهمن ماه ۶۱، در حزب توده ای خود برای پیروزی و معادلت زحمتکشان میهن، خستگی ناپذیر کوشیدند و سرانجام جان عزیز خود را در پای منافع خلق قربانی کردند.

شهادت رفقا شلتوکی و کی منش، اسطوره های حماسی و الهام بخش زندان هادر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به معنی تداوم پایمردی آگاهانه و ایمان جانبازان در کشور ما است که تا شکفتن ارغوان پرشاخ و برگ امید و دمیدن ستاره سرخ در سرزمین آوانی و روزبه از پای نخواهند نشست. توده ای ها و همه مبارزان انقلابی هیچگاه خاطره این رفقا را از یاد نخواهند برد.

* طبق اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقا: محمد امین شیرستانی، مسئول سازمان ایالتی کردستان و عضو هیئت نمایندگی خلق کرد در مذاکرات سال های ۵۸ و ۵۹ با دولت مرکزی و رفقا بیژن توپری و ابراهیم لطف زاده از رفقای پسر سابقه سازمان که مدت دو سال نیز در صفوف انقلابیون فلسطین علیه صهیونیست های اسرائیلی جنگیدند، و از مدت ها قبل

سال زندان محکوم شده بود بعد از اعدام گردید. طه حق طلب که در سال ۶۲ در تهران دستگیر شده بود در ۱۵ مهرماه سال ۶۴ در زندان اوین تیرباران گردید.

* نشریه مجاهد در شماره ۲۶۶ و ۲۶۸ خود اسامی عده دیگری از شهدای مجاهدین را که در موج جدید اعدام ها در زندان های کوهردشت، قزلحصار، اوین، عادل آباد شهر از به شهادت رسیده اند را به شرح زیر اعلام کرده است:

محمود سعیدی، محمد شهرزاد، سیامک فرخ مقدم، نصرت باصری، امیر میرهاچی، داود صفری، یوسف زنجیر آبادی، محمود کبری، بشیر مدائن، سید ولی اله صفری، مهران پیروز نعمتی مرادلو، سیاوش خرم روز، توران سعیدی، جواد اهزدی، صادق طهماسبی، صدیقه صادقیپور، بهرام باصری، احمد بدائی، محمد حقیقت گو.

جنایات سنگین رژیم ج.ا. را محکوم می کنیم و یاد همه شهدای مقاومت را گرامی می داریم. باشد که این بیگانه های پل خون افشته پیام آور اتحاد همه نیروهای انقلابی باشند

نیز در زندان بودند، به شهادت رسیده اند. * نشریه " فدائی " در شماره آذرماه خود اعلام کرده است که " رفیق فدائی چشید سهیوند از مسئولین سازمان در تاریخ سی و یک شهریور ماه ۶۴ تیرباران شده است.

چشید سهیوند از مبارزین جوان جنبش انقلابی ایران بود که علیرغم سن کم مدت ۵ سال از ۵۳ تا آستانه انقلاب در زندان های ستشاهی بود. او پس از آزادی از زندان به مبارزه خود ادامه داد و در رژیم ج.ا. نیز دوبار دستگیر و زندانی شد: بار اول در سال ۶۰ به مدت ده هاه در شکنجه گاه شهرنابی تهران بود و بار دوم از ۱۸ آبان ۶۳ تا لحظه تیرباران.

* بنا بر اعلامیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران کمال دهاغی، عضو کمیته مرکزی و طه حق طلب، عضو مشاور کمیته مرکزی، در کرمانشاه و تهران تیرباران شده اند.

کمال دهاغی از سال های ۴۰ در مبارزات سیاسی شرکت جست. او که پس از انقلاب مسئول سازماندهی کرمانشاه و ایلام بود در اردیبهشت ۶۱ دستگیر شد و با آن که به ۱۵

درگذشت غلامحسین ساعدی و یحیی آرین پور

* روز دوم آذرماه ۶۴ دکتر غلامحسین ساعدی، نویسنده و نماینده نویس معروف ایران در مهاجرت درگذشت. ساعدی که نماینده های خود را با نام " کوه مراد " می نوشت، در دوران کوتاه، اما پر بار زندگی خود بیش از ۲۰ اثر ماندگار به جای گذاشت. او از جمله نویسندگان مردمی بود که نقش شایسته ای در مقابله با هنر مبتذل و درباری ایفا کرد. تا آن جا که رژیم شاه او را تحت تعقیب قرار داد و به آزارش دست زد. ساعدی پس از مهاجرت اجباری در پاریس ساکن شد و مبارزه با رژیم ارتجاعی و

خرافی و ضد فرمکنی جمهوری ایلامی را ادامه داد. این بار غلامحسین ساعدی با خلق آثار جدید، افشاگر تبه کاری های شوم رژیم " ولایت فقیه " گردید. معروف ترین آثار وی عبارتند از: " عزاداران بیل "، " چوب به داستان روزیل "، " آی باد کلاه "، " چشم در برابر چشم "، " پنج نماینده از دوران مشروطیت "، " آتلخ در سوزموم عجایب " و غیره.

* همچنین روز ۲۴ آبان ماه ۶۴ یحیی آرین پور محقق مشهور و نویسنده اثر پر ارزش و بسیار مفید کتاب " از صبا تا نیما " در گذشت.

هیچ درختی چنین میوه خارق العاده نخواهد داد

هیچ درختی را این چنین بار خارق العاده‌ای
 نخواهد بود
 و هیچ شی
 حتی شب تابانی
 به چنین صداها
 به چنین رنگها
 و به چنین سبدهای
 نخواهد پیوست .

*

از ما خواهد زاد
 کامل‌تر از تمامی آنانکه
 از خاک،
 آتش و
 دریا زادند .

از ما خواهد زاد
 کامل‌تر از تمامی آنانکه
 از آب، خاک، و آتش
 زادند

 ... و انسانیا

بی‌هراسی
 بی‌هیچ اندیشه‌ای
 دست در دست یکدیگر رها خواهند کرد
 و آندم که می‌نگرند ستارگان را
 ضدا سر می‌دهند
 «زندگی چه زیباست»
 و سرود ناشنوده‌ای خواهند سرود

ناظم حکمت

زُرف، چون چشم انسان
 خنک، چون خوشه‌ی انگور
 شاد
 راحت

شکری که در آن رخ داده است و قهرا در
 رویدادهای ادبی آینده نیز تاثیر فراوان
 خواهد داشت اهمیت اجتماعی و ادبی فوقه
 العاده دارد...»

به قرار اطلاع کتاب بعدی ایشان " از
 نیما تا بعد " نیز در دست چاپ است. آری
 پور در سن ۸۶ سالگی با ارتبه معنوی بسیار
 شایسته و بزرگی بدرود حیات گفت.
 درگذشت آری پور مرج تاسف را در میان
 نویسندگان و هنرمندان و ادب دوستان
 ایران برانگیخت. یادش گرامی باد!

آری پور کار تحقیق و بررسی ادبیات فارسی
 ایران را از شهریور ۱۳۲۰ شروع کرد و حاصل
 آن را طی سال های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ در کتاب
 «وجلی» از سبنا نیما " تدوین کرد. خود
 او در پیشگفتار کتاب می نویسد: " این
 کتاب ده تذکره شعرا " است نه " منتخبات
 آثار " و نه چیزی از قبیل " تاریخ ادبیات "
 به معنی اخص کلمه، بلکه تحقیق ادبی یک
 دوره تاریخی است از بازگشت ادبی تا
 آستانه شعرنو (از سبنا تا نیما) که پیش از
 یک قرن و نیم طول کشیده است و به واسطه
 نزدیکی به روزگار ما و جهت وقایع

نبرد آزادی در آخرین جزیره استعمار

مبارزه ای که در افریقای جنوبی بر علیه رژیم آپارتاید جریان دارد افکار عمومی جهانیان را متوجه خود ساخته است. این مبارزه، مبارزه توده مردم برای بدست آوردن قدرت است.

مردم افریقای جنوبی در جهت نابودی و ریشه کن کردن رژیم آپارتاید مبارزه می کنند و خواهان حکومتی هستند که مظهر اراده و خواست آنان باشد. مبارزات مردم، رژیم حاکم در افریقای جنوبی را دچار بحران عمیقی کرده است.

جنبش رهایی بخش ملی در افریقای جنوبی

جنبش رهایی بخش ملی در افریقای جنوبی همه اقشار مردم را دربر می گیرد. سازمانهای جوانان، زنان، دانشجویان، وکلا، تشکل های ورزشی و دیگر تشکل های توده ای در جنبش شرکت فعال دارند.

رهبری مبارزه مردم را کنگره ملی افریقا (جبهه دمکراتیک ملی) به دست دارد. کنگره ملی افریقا در ژانویه سال ۱۹۸۲ از اتحاد کمونیستها، دمکراتها و سازمانها و گروه های مخالف آپارتاید تشکیل شد. در این جبهه گروه ها و سازمانهای مختلف سیاه پوستان، هندوها، و سفیدپوستان ضد رژیم شرکت دارند. در کنگره عمری این جبهه در اگوست ۱۹۸۲ ششصد نماینده از ۴۰۰ سازمان با تعداد اعضای در حدود یک میلیون نفر شرکت داشتند.

نقش کنگره در رهبری مبارزات مردم افریقا اینک پذیرش عمومی می یابد. در پی اوچگیری مبارزه مردم علیه رژیم آپارتاید، عده ای از کارفرمایان افریقای جنوبی بنا به درخواست صاحبان صنایع این کشور در شرق زامبیا با نمایندگان کنگره ملی افریقا وارد مذاکره شدند. در این مذاکرات جانشینی نظام آپارتاید و آینده سیاسی و اقتصادی کشور مورد بحث قرار گرفت.

بسیاری از رهبران کنگره ملی افریقا در زندان بسر می برند، از جمله نلسون ماندلا از رهبران کنگره ملی افریقا از سال ۱۹۶۴ تا بحال زندانی است.

در مبارزه مردم افریقای جنوبی در راه آزادی، طبقه کارگر مهمترین نقش را ایفا می کند. جنبش اتحادیه ای بسیار قوی و گسترده است. کارگران در همه جا حضور دارند و با حرکت های اعتصابی خود پایه های رژیم را به لرزه در می آورند.

آنان در سازماندهی مبارزه مسلحانه بر ضد رژیم نیز نقش فعالی دارند. نقش طبقه کارگر افریقای جنوبی جدا از نقش حزب کمونیست آن کشور نیست. حزب کمونیست یکی از اعضای اصلی کنگره ملی افریقا است. حزب در تعمیق و گسترش جنبش، در تقویت و بردن شعارهای آن به میان مردم نقش اساسی داشته است. کمونیست های افریقای جنوبی برای تحقق اهدافی که در "منشور آزادی" از سوی

کنگره ملی افریقا" طرح گردیده است بگونه ای بی گیر مبارزه می کنند.

اوچگیری جنبش خلق

میزان با اوچگیری جنبش مردمی قدریم، رژیم بوتوا با وحشیانه ترین و سفاکانه ترین روش ها سعی در ترساندن مردم دارد. اعلام وضع فوق العاده در افریقای جنوبی، پورش های متعدد به محلات زاغه نشین، حمله به تظاهرات مسالمت آمیز، بکار بردن گاز اشک آور، انداختن سگان درنده به جان مردم، حمله به مردم با شلاق و تیراندازی و کشتار مردم بیگناه تنها گوشه ای از فجایعی است که هرروز مردم افریقای جنوبی شاهد آن هستند. تنها در طول سال ۱۹۷۱ هزار نفر در درگیری های خیابانی کشته و ۱۰۰۰ نفر معلول شده اند.

دستگیری سران و فعالان جنبش مقاومت و اعدام رهبران نامدار جنبش، اعمال شکنجه های وحشتناک در مورد زندانیان سیاسی امری بسیار عادی است. تعداد زیادی از مبارزان دستگیر شده در جزایر "بازرسی" در زیر شکنجه های وحشیانه جان می سپارند.

درفته های اخیر اعدام "بنجامین مالوئیز" شاعر ۲۰ ساله انقلابی و عضو کنگره ملی افریقا، نفرت جهانیان را نسبت به رژیم آپارتاید دامن زده. پیش از این اعتراضات گسترده افکار عمومی جهان باعث شده بود که رژیم آپارتاید اعدام این شاعر انقلابی را به تعویق بیاورد. ولی رژیم بوتوا در اواخر مهرماه امسال مالوئیز را اعدام کرد.

مردم افریقای جنوبی پاسخ این جنایت را با تظاهرات ده ها هزار نفری خود دادند. در کبیب تاون ۲۰ هزار نفر از سفید پوستان و رنگین پوستان علیه اعدام مالوئیز دست به تظاهرات زدند. دیگر شهرهای افریقای جنوبی نیز شاهد تظاهرات هزاران نفری مردم بود. در پیشاپیش صف تظاهرکنندگان پرچم کنگره ملی افریقا حمل می شد. آلفرد تزو، دبیرکل کنگره ملی افریقا، اعلام داشت، قتل مالوئیز برای رژیم یرتوریا یک بیروزی به حساب می آید. این جنایت خشم سیاه پوستان را بازم افزایش داده است.

... به وجود همه این اقدامات وحشیانه و کشتارها، مردم دست از پیکار نمی کشند. مرج مقاومت هرروز گسترش تازه ای می یابد. مردم اعتراضات خود را بشکل تظاهرات و اعتراضات در مقابل رژیم مار و سفاک به سرچله اجرا در می آورند. اعتصابات دانشجویی برای آزادی دانشجویان زندانی و از بین بردن جو خفقان محکم بر دانشگاه ها زو به افزایش است. در سه ماه گذشته ده ها مورد تظاهرات اعتراضی در مراکز افریقای جنوبی صورت گرفته است. در کبیب تاون جمع ده هزار نفری از استادان و دانشجویان دانشگاه ها در حالی که قصد راهپیمایی به سوی بازداشتگاهی را داشتند مورد سرکوب نیروهای امنیتی قرار گرفتند. آنان خواستار آزادی رهبران جنبه دمکراتیک ملی و دانشجویان دستگیر شده و لغو شرایط نظامی بودند.

در شهرک گولولتو در نزدیکی کبیب تاون در تشیع جنازه ۸ تن از قربانیان رژیم ۴۰

هزار نفر شرکت کردند که در بیشاپیش خود پرچم کنگره ملی آفریقا را حمل می‌کردند.

افزون بر اینها، رژیم برای ارباب مردم دست به ترور رهبران جنبش و شخصیت های مورد احترام مردم می‌زند. چندی پیش ویکتوریا منگه وکیل زن میاهوست که دفاع از همین پرستان را برعهده داشت در جلوی در خانه اش هدف گلوله قرار گرفت.

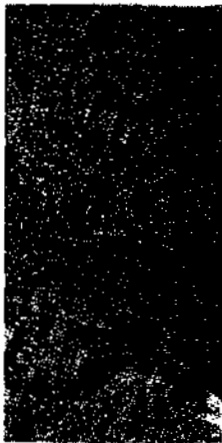
نظامی کردن مناطق سیاه پوست نشین، فشار شدید بر روی کودکان و نوجوانان در مدارس و دبیرستانها، دستگیری های وسیع جوانان محصل به مجرد کوچکترین اعتراض، همه اینها نمونه های دیگری از روشهای ارباب رژیم است.

امپریالیسم جهانی حامی ارتجاع آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی از نظر بازرگانی و سرمایه گذاری خارجی کشوری است وابسته به امپریالیسم. این کشور دارای غنی ترین معادن طلا، الماس و سایر سنگ های معدنی مورد نیاز صنایع پیچیده کشورهای غربی است. از نظر محصولات غذایی و کشاورزی مانند گوشت و غلات و مواد اولیه مورد نیاز کارخانه های مواد غذایی کشورهای اروپایی بخصوص انگلستان و آلمان اهمیت بسزا دارد. آفریقای جنوبی دارای ارزشترین نیروی کار برای سرمایه گذاری های اروپایی و آمریکایی است. درست و دلیل همین منافع است که اوجگیری مبارزات انقلابی باعث هراس محافل امپریالیستی جهانی بخصوص آمریکا شده است. آنان از سالها پیش با حمایت مستقیم خود از رژیم ارتجاعی آپارتاید در تقویت و بقای این سیستم نقش اساسی داشته اند، و به سادگی حاضر به از دست دادن منافع خود نیستند.

امپریالیستها برای خفه کردن جنبش مردمی روشهای مختلفی را بکار برده و خواهند برد: از ایجاد رفرم و اصلاحات جزئی در رژیم آپارتاید در جهت فریب مرد و حفظ نظام تا ارسال پول، اسلحه و همچنین اعزام نیروهای مزدور برای سرکوب انقلابیون و بسوق خود مداخله مستقیم نظامی.

در حال حاضر در میان جناح های مختلف امپریالیسم بر سر مسئله آفریقای جنوبی اختلاف نظر وجود دارد. اغلب کشورهای امپریالیستی اروپایی خواهان اجرای اصلاحات وسیعی در رژیم آپارتاید برای حفظ کل نظام حاکم در آفریقای جنوبی هستند و در این جهت از اعمال مجازات های جهانی و فشار به رژیم آفریقای جنوبی طرفداری می‌کنند. در مقابل ایالات متحده آمریکا و انگلستان از رژیم حاکم پشتیبانی می‌کنند، و با هرگونه عقب نشینی رژیم در مقابل جنبش انقلابی مخالفت می‌ورزند. اما رشد جنبش مردمی و فشار افکار عمومی جهانی به حدی است که حتی رینگان نیز چندی پیش ناکزیر از اعلام مجازات های محدود اقتصادی علیه رژیم آپارتاید شد. بدون شک اعلام مجازات های اقتصادی محدود از جانب رینگان تنها برای جلوگیری از اعمال مجازات های سنگین تر جهانی بوده است.



در کودکی پسر بچه سفید پوستی را دیدم
 که در ماشینی نشسته بود
 و من هیچ گاه در نیافتم چرا من که چنان
 دور زندگی می کردم
 و او چنین نزدیک
 من باید بیانه راه بروم
 در کودکی ساختمان بزرگی را دیدم
 که تشنگ و خالی بود
 و هیچگاه در نیافتم چرا ما
 که شانه مان چنین کوچک و دیگری
 چنان بزرگ بود چرا باید در جایی
 به این تنگی زندگی کنیم
 در کودکی خیابان اسفالت شده ای
 را دیدم که تیزی و خالی بود
 و مرکز در نیافتم چرا ما که خیابانسان
 چنین

او زندگی ماندلا
 دختر نلسون ماندلا

شلوغ و دیگری چنان خلوت بود
 باید چنین به دست فراموشی سپرده شود.

رژیم بوتما هم اکنون بر اثر فشار برخی محافل اقتصادی و واقعیین داخلی و خارجی
 مجبور به بستن بورس ، تاخیر بازپرداخت بدهی خارجی و پایین آوردن ارزش
 "راند" (واحد پول افریقای جنوبی) شده است. در سطح بین المللی نیز برخی
 کشورها به اقدامات تخریبی علیه افریقای جنوبی دست زده اند، و عده ای هم از
 اجرای تعهدات مهم سر باز زده اند.

در حال حاضر امپریالیستها با تلاش فراوان سعی دارند که در شرایط بهران
 اقتصادی کشور، جلوی ورشکستگی کامل رژیم را بگیرند، هر چند که بیهوده بودن
 کوشش هایشان برای خود آنها نیز آشکار است .

مبارزان افریقای جنوبی به فراخوان کنگره ملی افریقا در آغاز سال ۱۹۸۵ برای
 ناپودی کامل آپارتاید پاسخ مثبت داده اند. آنان با تمامی توان خود در جنبش شرکت
 دارند.

انقلابیون افریقای جنوبی برای تشدید مبارزه و درهم شکستن دستگاه حکومت و
 تدارک شرایط انتقال قدرت به مردم ، نیاز به همبستگی بازم بیشتر افکار عمومی
 جهانی دارند و وظیفه ماست که در این پیکار بزرگ در کنار مردم افریقای جنوبی
 بایستیم.

سخنان قبل از اعدام "مالوئیز" خطاب به مردم کشورش ، بیانگر اراده خلق
 پیاخاسته افریقای جنوبی است که بدون شک سرانجام پیروز خواهد شد:
 " به جهانیان بگوئید روزی مردم سیاه حکومت خواهند کرد. همه مبارزانی که
 جان باختند، جان خود را فدای آزادی کرده اند. پیکار باید ادامه یابد."



چهلمین سالگرد فدراسیون بین‌المللی زنان

اول دسامبر مصادف با چهلمین سالگرد تاسیس فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان است.

انگیزه تاسیس این ارگان بین‌المللی، متمرکز کردن مبارزه برای کسب حقوق زنان و ایجاد شرایط مناسب برای رشد کودکان و کمک به تأمین آرامش و صلح برای مردم سراسر جهان بود.

آغاز کار فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان مصادف با پایان جنگ جهانی دوم بود. پس از پایان محاصره در کشورهای امپریالیستی درگیر جنگ، زنان که جای خالی مردان را در کارخانه‌ها و مزارع پر می‌کردند، گروه گروه از کار رانده شدند و جای خود را به سربازانی که از جبهه‌ها بازمی‌گشتند سپردند. زنان می‌بایست برای تأمین حق کار، حق دریافت دستمزد مساوی در مقابل کار مساوی، حقوق کامل مادری و شهروندی خود، مبارزه را تشدید می‌کردند. روز بروز روشن‌تر می‌شد که کسب حقوق برابر با مردان تشکل و همکاری بیشتری را می‌طلبد. سازمانهای موقتی زنان در کشورهای مختلف به این نتیجه رسیدند که برابری در شرایط رفاه و پیشرفت بدست می‌آید و شرایط لازم برای غلبه بر فقر و عقب ماندگی، صلح و

امنیت است. اسنیت روزهای تلخ و وحشتناک جنگ را پشت سر نهاده و ضرورت استقرار صلح را با پوست و گوشت خود احساس می‌کردند. زنان که همسران و فرزندان و خانه و کاشانه خود را در جنگ از دست داده بودند، بیش از پیش قانع می‌شدند که صلح نیاز پایدار، نیاز میرم بشریت است. همان سیستم اجتماعی که از زنان موجودات درجه دومی می‌سازد، برای تأمین منافع سوم خود و به بهای خون میلیونها انسان، جنگهای منطقه‌ای و جهانی را برمی‌افروزد.

زنان مبارز و متوقی نیاز به ایجاد یک تشکل بین‌المللی زنان را احساس می‌کردند. کنگره جهانی زنان در پاریس که از ۲۶ نوامبر تا اول دسامبر ۱۹۴۵ بطول انجامید، پس از بحث و گفتگوی چندروزه، تاسیس "فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان" را اعلام کرد. کنگره، خانم اوژنی کوتون، مبارز برجسته نهضت زیرزمینی فرانسه را به ریاست فدراسیون انتخاب کرد. فدراسیون مبارزه برای کسب حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان، دفاع از حقوق کودکان، حق برخورداری از بهداشت و درمان و تحصیل برای آنان، دفاع از استقلال ملی و حقوق دموکراتیک خلفاء، مبارزه علیه فاشیسم، نژادپرستی، استعمار و استثمار را در برنامه کار خود قرار داد.

تثبیت روز هشتم مارس، روز جهانی زن، در سراسر جهان و اختصاص اول ژوئن، به عنوان روز جهانی کودک، از اقدامات مهم فدراسیون زنان است. فدراسیون از مبتکرین و سازماندهندگان موثر برگزاری دهه زن (۱۹۷۵-۱۹۸۵) بود. پنجم در صفحه ۵۱



علی امید در راس اعتصابات عظیم کارگران نفت آبادان در سال ۱۳۲۵، که به ابتکار شورای متحده مرکزی انجام گرفت، قرار داشت. گرچه رژیم تبهکار پهلوی اعتصاب را به خاک و خون کشید، اما در برابر پایداری زحمتکشان و سازمان یافتن درست اعتصاب، مجبور به تن دادن به همه خواستههای زحمتکشان اعتصابی شد. پس از "غیرقانونی" اعلام کردن حزب در سال ۱۳۲۷، علی امید نیز دستگیر شد و چند سال را در زندان گذراند. بدنبال کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علی امید مجدداً دستگیر شد و سالهای طولانی در اسارت باقی ماند.

جلادان رژیم محمدرشاهي در دوران زندان، رفیق علی امید را به وحشیانه‌ترین شکل شکنجه دادند تا اراده پولادین او را در دفاع از زحمتکشان و حزب توده ایران درهم شکنند. ولی امید پر پییمان خویش با توده‌ها و حزب توده‌ها استوار ماند، علی امید با جسی درهم شکسته، ولی با روحی سرشار از امید به آینده دوران محکومیت خود راه سپرد. سرانجام علی امید که تا پایان زندگی به حزب و زحمتکشان وفادار بوده، در سوم دی ماه ۱۳۵۲ چشم از جهان فرو بست.

یگانه درصحه ۲۹

علی امید مبارز برجسته جنبش کارگری ایران

سوم دی ماه اسفند - دوازدهمین سالگرد درگذشت علی امید مبارز برجسته جنبش کارگری میهن ما است.

در سال ۱۳۰۸ شمسی، نخستین اعتصاب بزرگ صنعتگران آبادان آغاز شد. کارگر جوان، علی امید که فشار ستم شرکت نفت انگلیس و ایران را باگروشت و پوست خود احساس می‌کرد، در جریان اعتصاب فعالانه شرکت کرد و به دفاع از خواستههای کارگران برخاست. روسای شرکت نفت و مقامات محلی که جسارت انقلابی و قدرت سازماندهی این زحمتکش جوان را در جریان اعتصاب دیدند، بیدرتک او را دستگیر و روانه زندان در تهران کردند. علی امید تا سقوط دیکتاتوری رضاشاه در سال ۱۳۲۰ بدون محاکمه در زندان ماند، پس از آزادی از زندان، علی امید به سرعت خود را به خوزستان رساند و به سازماندهی اتحادیه‌های کارگری پرداخت.

علی امید که یکی از فعال‌ترین و آگاه‌ترین کارگران شرکت نفت بوده، جای شایسته خود را در عرصه نبرد طبقاتی علیه امپریالیسم و ارتجاع و علیه سرمایه، با عضویت در حزب توده ایران یافت. حزب توده ایران به پاس فداکاری بی نظیر علی امید در امر سازماندهی کارگران نفت و اعتماد زحمتکشان به او، او را برای دوره‌های ۱۴ تا ۱۷ مجلس شورای ملی به عنوان نامزد انتخاباتی حزب از آبادان معرفی کرد. با وجود اراء قاطعی که زحمتکشان به نام او به صندوق‌ها ریختند، رژیم محمدرشاهي با تقلب و تزویر نام افراد دیگری را از صندوق‌ها برداورد.



چرا سردار و طاووس کوتاه
چرا زاغ و کرکس زید در درازا؟

به یاد جهان پهلوان تختی

بستی خون به طشت طلا، رنگ خورد
بستی تیغ عمر بر سنگ خورد
تیغ ووش ما کشت افراسیاب
ولیکن تکانی نخورد آب از آب
دریغاً ز رستم که در جوش نیست
تگر یاه خون سیاوش نیست

در آن سال های سیاه که رژیم محمد رضا شاهی مرصداي حق طلبی را خفه می کرد، پیوند شگرف مردم و تختی معنای سیاسی ویژه ای داشت. سال ها پیش از آن و سال ها بعد از آن تیم کشتی ایران مدال های قهرمانی جهان را درو می کرد و کم نبودند کسانی که بارها بر کرسی قهرمانی جهان ایستاده اند. اما هیچیک از آنان نتوانستند همچون تختی به کلید دل مردم دست یابند. آخر مردم تختی را نه فقط به عنوان قهرمان کشتی، بلکه بعنوان مخالف رژیم می شناختند! او در مراسم نایبی رژیم که مجبور به شرکت در آن می شد، تنها ورزشکاری بود که هرگز بر دست شاه بوسه نزد

در خانی آباد، در شوش و جوادیه، در گودها و بیقوله های جنوب تهران، جوانان سراز یا نمی شناختند. در عرض یکروز ده ها طاق نصرت برپا شده بود. تلاش هماهنگ هزاران جوان برای آذین بندی محلات و قالیچه های مندرس زحمتکشان بر طاق نصرت ها، نشان می داد که مراسم فرمایشی نیست. غلامرضا تختی، بچه خانی آباد، این بار نیز با مدال قهرمانی کشتی به میهن بازگشت. در فرودگاه مهرآباد غلغله بود. مردم تختی را سردست می بردند. قهرمان محله زحمتکش نشین خانی آباد با سخنان کوتاه خود، مردم را سپاس گفت و وفاداری خود را به آنان ابراز داشت. سیاوش کسرایی شاعر توده ای در شعر

"جهان پهلوان" که در بهمن ۱۳۴۰ سروده، از این کشت توده ها، را به تختی را گشود،
"بر این دشت تف کرده از آرزو

تویی چشمه چشم پر جست و جو
تو تنها گل رنج پرورده ای
که بالا گرفتگی بر آورده ای
به شکرانه این باغ خوشبوکن
توازی باغی ای گل، بدان روی کن
کلاف نواهای از هم جدا
بی آفرین توشه یک صدا"

روز هفدهم یا

هجدهم دی ماه ۱۳۴۶ بود که خبر به سرعت برق در دانشکده فنی دانشگاه تهران پیچید:
"ساواک شاه تختی را کشت"

خبر روزنامه های گوش به فرمان رژیم را هیچکس باور نکرد. مگر ممکن است جهان پهلوان بعلت "اختلافات خانوادگی" صحنه نبرد را ترک و خودکشی کند؟ نه! دان

تجاوز کرد. پلاکاردها گشوده شد و جمعیت به راه افتاد. در طول خیابان شهباز ده ها ورده ها هزار تن از مردم محروم جنوب تهران به صف راهپیمایان پیوستند. شعارها که در آغاز در رثای تختی و با کنایه به دشمنان او - رژیم شاه - بود رفته رفته تندتر شد و مستقیماً شاه و رژیم را نشانه گرفت. در آغاز راهپیمایی مردم فریاد می زدند:

"تختی جوانمرد بود
دشمنش نامسرد بود!"

در آستانه ورود به "این بابویه" که آرامگاه تختی در آنجا قرار داشت شعار مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر شاه" همه گهرا شده بود. پیشاپیش صفوف تظاهر کنندگان پلاکاردهای بزرگی حمل می شد که بر روی آن نوشته شده بود:

"چرا عمر دراج و طاووس کوتاه
چرا زاغ و کرکس زید در درازا!"

زاغ و کرکس برای مردم همان شاه و مهره های رژیم بودند. مضمون این پلاکاردها آرزوی مرگ شاه را بیان می کرد. تعداد جمعیت از مرز ۲۰۰ هزار تن گذشته بود! در نزدیکی "این بابویه" سقف چندین محافزه در زیر فشار وزن مردمی که بر بالای پشت بام رفته بودند فرو ریخت. بر سر مزار تختی نمایندگان دانشجویان سخنان پرشوری ایراد کردند. آنها رژیم را عامل قتل تختی معرفی کردند و علیه دیکتاتوری رژیم به افشاکاری پرداختند. جمعیت با تارک شدن هوا با جهان پهلوان تختی وداع کرد و راهی شهر شد. مردم شعار می دادند "بیش به سوی مجلس قانون شکن!" مردم می خواستند ساختمان مجلس را اشغال کنند و مخالفت خود را با خود کامگی رژیم ابراز دارند. نزدیکی های میدان فوزیه گارد پلیس به صفوف تظاهر کنندگان یورش آورد و تعداد کثیری را بقیه در صفحه ۳۹

آدمی سان" جهان پهلوان تختی را از خلق گرفتند.

شاعر توده ای شش سال پیشتر به جهان پهلوان هشدار داده بود:

"کلاف نواهای از م جدا

بی آفرین توشه یک صدا

تو این رشته مهر پیوند کن

پریشیده دل ها به یک بند کن

که در هفت خوان دیو بسیار هست

شگفتی ند آدمی سار هست

به پیکار دیوان نیاز آیدت

چنان رشته ای چاره ساز آیدت"

پیوند دل های پریشیده با قتل ناجوانمردانه جهان پهلوان محکم تر شد. نباید ساکت نشست. جنب و جوش و فعالیت دانشجویان انقلابی در دانشکده های فنی و حقوق دانشگاه تهران و در پلی تکنیک تهران آغاز شد و به سرعت همه دانشکده ها، موسسات آموزش عالی و دبیرستان ها را دربر گرفت. حرکت دانشجویی با تدارک مردمی در محله های نازی آباد، خانی آباد، جوادیه و... پیوند خورد. بدور از چشم خبر چینان ساواک برای پریائی مراسم شب هفت جهان پهلوان و تظاهرات ضد رژیم برنامه ریزی شد. اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان هر یک حداقل ۱۰۰ ریال که در آن زمان رقم قابل توجهی بود به رابطین کمیته مخفی مراسم پرداختند. چند شبانه روز صدها دانشجو از دانشکده های مختلف تعداد کثیری پلاکاردها نوشتند. تراکت ها و اعلامیه های متعددی در تهران تا ۵۰ هزار نسخه تهیه شد. با جوانان محله های جنوب شهر ارتباط برقرار شد.

در شب هفت جهان پهلوان طبق برنامه از پیش تنظیم شده دانشجویان خود را به میدان قوژبه رساندند. در مدتی کمتر از ۱۵ دقیقه تعداد جمعیت حاضر در میدان از ۱۰ هزار نفر

آهنگر

او به هنگامی که نادشمن از او در بیم باشد
(آفریدگار شمشیری نخواهد بود چون)
و به هنگامی که از هیچ آفریدگار شمشیری نمیرسد ،
زاستغانه های آنانی که در زنجیر
او کلید قفل های بسته زنگ آلوده بی را می دهد
تعبیر

در درون تنگنا، با کوره اش، آهنگر فریاد
دست او برینک
و به فرمان عروقش دست
دائماً فریاد او این است، و این است فریاد تلاشی او:
« کی به دست من
آهن من گرم خواهد شد

و من او را نرم خواهم دید؟

آهن سرسخت!

قدیر آور، باز شو، از هم دور باشو، با خیال من یکی تو زندگی کن!

از به آنان، دست، با این شیوه خواهد داد.

ساخته ناساخته، ناساخته کوچک،

او، بعدست کارهای بس بزرگت ایزار می بخشد.

او، جهان زندگی را می دهد پرداخت!

زندگانی چه هوسناک است، چه شیرین!

چه برومندی، دمی باز زندگی آزاد بودن!

خواستن بی ترس، حرف از خواستن بی ترس گفتن، شاد-
بودن ...

نیمایوشیح

شناسائی را که بدست دژخیمان رژیم "ولایت
فقیه" به شهادت رسیدند تا پیروزی نهائی
ادامه خواهند داد.

علی امید ...

در نخستین سال های پس از انقلاب بهمن ۵۷
انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای
تهران، در دی ماه مراسم یادبود این
رفیق مبارز را برپا می کرد که در آن گروه
کثیری از همزمان علی امید و نسل جوان
کارگران انقلابی شرکت می کردند. جوانان
میهن ما، بریزه کارگران جوان، از
فداکاری و ایثار این رزمنده راه پیروزی
طبقة کارگر و عضو قدار حزب توده ایران،
همواره با احترام یاد می کنند و از زندگی و
مبارزه او علیه امپریالیسم، ارتجاع و
سرمایه می آموزند. زحمتکشان جوان میهن ما
در نبرد علیه رژیم ترور و سلبانی ج.ا.، راه
سندیکا نیست های شهید، همزمان علی
امید، رفقا حسن حسین پور تبریزی و علی

به یاد جهان پهلوان ...

مجروح و بازداشت کرد. معهذاتفا عهرا تا
نیمه شب ادامه یافت. در شب جهلم تختی نیز
مراسم مشابهی برپا شد که این بار پلیس با
آمادگی بیشتر به مقابله برخاست.

در سازماندهی مراسم تجلیل از جهان
پهلوان تختی و فرارویانندن آن به تظاهرات
وسیع مردم علیه رژیم نقش اساسی را
دانشجویان معهد داشتند. مراسم بزرگداشت
تختی در آن سال ها یکی از بزرگترین حرکات
اعتراض مردم علیه رژیم پهلوی بود.

نواستعمار

نگاهی به قانونمندی های انقلاب رهاییبخش ملی

سابقه ای در تاریخی، زیر فشار نیرومند جنبش های رهایی بخش ملی و خواست های خلق های کشورهای رشدیابنده برای استقلال و پیشرفت صنعتی و علمی و اجتماعی قرار داشته است. در شرایط حضور و نیرومندی روزافزون نظام سوسیالیستی که بی هیچ گونه چشم داشتی امکانات لازم برای پیشرفت اجتماعی را در اختیار این کشورها قرار می دهند، امپریالیسم ناگزیر از تن دادن به عقب نشینی های جدی و توسازی مواضع خویش است. به این معنا باید خود ویژه نواستعمار را نیز به معنای "استعمار در حال عقب نشینی" درک کرد.

در دوره استعماری بخش اصلی سرمایه گذاری های امپریالیستی در کشورهای رشدیابنده در صنایع استخراجی و کشاورزی متمرکز می شد. کشورهای رشدیابنده در صل به "زائده کشاورزی و مواد خام" اقتصاد جهان سرمایه داری تبدیل شدند. در دهه های اخیر کشورهای امپریالیستی در عین حال گرایش نوین روز به روز نیرومندتری به تبدیل این کشورها به "زائده صنعتی" جهان سرمایه داری نیز از خود نشان می دهند. دانشنامه بزرگ اتحاد شوروی - ج ۱۷ - ص ۴۳۳.

با از بین رفتن نظام استعماری، تقسیم منطقه ای جهان میان قدرت های امپریالیستی در اساس به پایان رسیده. با وجود این اغلب قدرت های امپریالیستی نفوذ اقتصادی و سیاسی و استعماری خویش را در

نواستعمار، نظامی از تدابیر، اهرم ها و ترفندهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک است که امپریالیسم جهانی به کمک آنها بهره کشی امپریالیستی از خلق های از بندرسته آسیا، افریقا و آمریکای لاتین را ادامه می دهد و نظام سرمایه داری و وابستگی این کشورها به بازار جهانی امپریالیستی را حفظ و تحکیم می کند.

در حالی که استعمار بر پایه تصرف و انقیاد سیاسی، نظامی مستقیم و غارت و حشیا نه و تاجرات زیادی غیر اقتصادی خلق ها استوار بود، نواستعمار شیوه نوین بهره کشی امپریالیستی است که در درجه نخست به روش های غیر مستقیم سلطه و کنترل سیاسی و بهره کشی اقتصادی از راه انحصار، و مبادله نابرابر و تحمیل جایگاه فرو دست در نظام تقسیم کار بین المللی به خلق های نوآزاد متکی است.

نظام نواستعماری، به دنبال فروپاشی نظام استعماری امپریالیسم، در شرایطی که زیر ضربات پیشرفت همه جانبه سوسیالیسم، رشد مبارزات طبقه کارگر و دیگر نیروهای دموکراتیک در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، و اوج گیری جنبش های رهایی بخش ملی، حاکمیت مستقیم استعماری تقریباً بطور کامل از بین رفته است، به مثابه عقب نشینی عمومی امپریالیسم و در عین حال تلاش همه جانبه آن برای توسازی مواضع و پایگاه های اجتماعی خویش، پاکر فت، در دهه های اخیر امپریالیسم به شکل بی

به ویژه بانک ها و شرکت های فراملی است. در دهه های اخیر انحصارات امپریالیستی شبکه ستراکنی از شعب بانک ها و شرکت های چند ملیتی را در کشورهای رشد یابنده بوجود آورده اند که با مکانیسم ویژه ویبیبیجیده ای خلق های این کشورها را با شدت کم سابقه ای استثمار می کنند.

انقلاب علمی و فن شناسی یکی از عوامل بسیار مهمی است که روی شیوه ها و اشکال نو استعمار تاثیر گذارده است. در نتیجه انقلاب علمی و فنی، شکاف میان سطح تکامل اقتصادی و دستاوردهای علم و تکنولوژی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای رشد یابنده افزایش یافته است. این تحولات موجب تشدید بهره کشی نو استعماری از جمله از راه تحکیم وابستگی فنی کشورهای رشد یابنده به کشورهای امپریالیستی شده است.

در حالی که استعمار بر اتحاد با " ارتجاع کهن " یعنی اشرافیت فئودالی، سران عشاير و بورژوازی کمپزادور متکی بود، در دوره نو استعماری، امپریالیسم اهمیت هر چه بیشتری به اتحاد با " ارتجاع نوین " زمین داران و سرمایه داران بزرگ وابسته و رهبران بورژوازی بوروکراتیک - نظامی می دهد. این امر به معنای آن نیست که " ارتجاع کهن " به دست فراموشی سپرده شده است. برعکس امپریالیسم همکاری و اتحاد میان نیروهای ارتجاعی نو و کهن را تشویق می کند. تبدیل نیروهای فئودالی به بورژوازی را مورد حمایت قرار می دهد، و تلاش می کند قدرت را میان نیروهای ارتجاعی نو و کهن تقسیم کند. از نظر امپریالیسم، نسبت به دوره استعمار، اهمیت ارتجاع داخلی نیز افزایش یافته است. در آن دوره این نیروها تنها کار گزار دستیار امپریالیسم بودند، اما امروز آنان شریک تجاری و صنعتی و مالی و

بسیاری از مستعمرات پیشین خویش حفظ کردند. در شرایط نو استعمار، مبارزه نوینی برای تقسیم جهان از نظر اقتصادی و ایجاد قلمروها و مناطق نفوذ سیاسی، اقتصادی و استراتژیک نوین درگیر شده است. این امر نه تنها موجب تشدید روابط میان مستعمرات پیشین و دولت های امپریالیستی می شود، بلکه تضادها و منازعات شدیدی را میان دولت های امپریالیستی شعله ور می کند.

همه عناصر سیاست های نو استعماری نو نیستند. بسیاری از تدابیر و ترندهای نو استعماری در دوران اوج سلطه نظام استعماری در اوایل قرن بیستم در کشورهای تحت الحمايه و نیمه مستعمره به کار گرفته می شدند. این تدابیر که در دوره استعماری کارایی کافی نشان داده بودند، امروز نو سازی شده و اساس سیاست های نو استعماری را تشکیل می دهند. در واقعیت تاریخی نیز از آنجا که سرچشمه استعمار و نو استعمار هردو سرمایه داری و امپریالیسم است، میان آن دو نوعی تداوم و درهم بافتگی وجود دارد.

گذار از نظام استعماری به نظام نو استعماری حرکتی نیست که یک باره رخ دهد، بلکه یک روند طولانی و متناقض است که در جریان آن عناصر مختلف سیاست های استعماری که به نظر می آید محو شده اند در شرایط خاص بار دیگر ظاهر می شوند. از جمله امپریالیسم در دوره نو استعماری نیز به تهاجم نظامی و اشغال مستقیم کشورهای از بندر بسته، آنچه که شاخص دوره استعماری است، دست می زند. برای نمونه می توان از اشغال جمهوری دومی نیکن (۱۹۶۵)، تجاوز امپریالیستی به ویتنام و اشغال گرانادای انقلابی از سوی امپریالیسم آمریکا نام برد. پایه اقتصادی نو استعمار، انحصارهای امپریالیستی، بانک ها و شرکت های خارجی

راه ترقی اجتماعی و سمت گیری سوسیالیستی و تقویت همکاری های آنان با کشورهای سوسیالیستی امکان پذیر می شود.

نواستعمارگران تلاش می کنند با ایجاد هماهنگی میان اهداف استراتژیک خویش سیاست یک پارچه و پیگیری را در قبایل کشورهای رشدیابنده در پیش گیرند. اما تحت تاثیر ناکامی های ناشی از ضربات پیاپی جنبش های رهایی بخش ملی، و تضاد منافع میان گروه بندی های مختلف انحصارات امپریالیستی، هرازچندی تغییراتی در اشکال و شیوه های سیاست نواستعماری به وجود آید. برای نمونه در ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری کندی (۶۳ - ۱۹۶۰)، استراتژی " مرزهای نو" در پیش گرفته شد. بنابراین استراتژی ایالات متحده سعی داشت با انجام اصلاحات " از بالا" از شدت اختناق و فساد در کشورهای زیر نفوذ خویش بکاهد و تغییرات گسترده اجتماعی - اقتصادی در راستای رشد سرمایه داری وابسته ایجاد کند. " انقلاب سفید" ستم شاهی در ایران یکی از محصولات این سیاست بود. استراتژی "مرزهای نو" بیش از همه بازتاب منافع انحصارات صنعتی و صادرکننده آمریکایی بود که خواستار گسترش بازارهای صادراتی و تضمین حفظ نظام سرمایه داری مستعمراتی در کشورهای ازبند رسته بودند.

در دوران ریاست جمهوری ریگان، ایالات متحده در کنار تشنج فزاینده، تشدید تسلیحات اتمی و موشکی، میلیتاریزه کردن بی سابقه اقتصاد، برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیستی که " منافع حیاتی" جهان غرب نامیده می شود، توسل به فشار و قهر نظامی را بار دیگر به پایه اصلی سیاست خویش در قبایل جنبش های رهایی بخش ملی تبدیل کرده

مستعد سیاسی - و نظامی امپریالیست ها محسوب می شوند (نگاه کنید به: درباره نو استعمار - نو داری سیمونیاک ص ۶۹).

در معادلات نظامی استراتژیک امپریالیسم جهانی، کشورهای رشدیابنده عامل مهمی محسوب می شدند. براساس این محاسبات، این کشورها می بایست به عنوان نیروی پشتیبان اقتصادی و نظامی و بصورت پایگاه های نظامی در تهاجم به اردوگاه سوسیالیسم مورد استفاده قرار می گیرند. در این راستا امپریالیست ها سعی می کنند فروش سلاح و تربیت کادرهای نظامی برای کشورهای رشدیابنده را در انحصار خویش در آورند و این کشورها را به حلقه پیمان های نظامی منطقه ای و امپریالیستی بگشانند. در عین حال استفاده از کشورهای رشدیابنده یکی از عناصر مهم نظریه های نظامی نواستعماری است.

قدرت های امپریالیستی در راه حفظ و تثبیت بهره کشی امپریالیستی و در صورت امکان تشدید آن تلاش می کنند حرکت کشورهای نواستقلال به سوی تأمین استقلال راستین را به ویژه با ممانعت از ملی کردن اموال انحصارات امپریالیستی و ایجاد بخش دولتی گسترده در اقتصاد ملی سد کنند. نواستعمار به سرمایه داری در کشورهای رشدیابنده به مثابه متحد استراتژیک خویش می نگرند. هدف استراتژیک نواستعمار تبدیل کشورهای رشدیابنده به نیروی ذخیره امپریالیسم در مبارزه با سوسیالیسم و منبع دائمی بهره کشی امپریالیستی است. در این راستا سمت گیری اصلی همه سیاست های نو استعماری متوجه حفظ امکان بقای سرمایه داری و جلوگیری از انتشار سوسیالیسم و رشد نیروهای آن در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین است. این امر تنها با مساعدت کشورهای رشدیابنده از انتخاب

وزارت جنگ یا

سال ۶۲ در عملیات "خوبتر" ۵۷ درصد نیروهای رزمنده دانش آموز بودند و ما باید برنامه درس را طوری تنظیم کنیم که بچه‌های خودمان را به فرمان امام عزیز برای ۲۰ سال آینده تربیت کنیم."

نکته‌ای که فهم آن هنوز برای سران جمهوری اسلامی آسان نیست، این است که دانش آموزان و جوانان و زحمتکشان مهن ما مدتهاست که بر سپاه ارتجاعی و جنگ المرزانه رژیم نه فقط پاسخ منفی داده‌اند، بلکه عملاً گام در عرصه نبرد برای پایان دادن به جنگ گذاشته‌اند. مخالفت با ادامه جنگ و ایستادگی در برابر نظامی کردن محیط آموزش و پرورش، اکنون یکی از عرصه‌های عمده مبارزه عمومی خلق برای سرنگونی رژیم ج.ا. است. دانش آموزان مهن ما با بهره‌گیری از تجربه عظیم جنبش دانش آموزی در جریان سرنگونی رژیم پهلوی و با پیوند دادن بیش از پیش مبارزه خود را با مبارزات زحمتکشان علیه رژیم ج.ا. طرح‌های شیطانی رژیم را نقش بر آب خواهند کرد.

بیانیه هشتک سازهان

آنها از ابتکار اخیر دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، میخائیل گورباچف که در تطابق کامل با خواست‌های صلح‌دوستانه و احساسات جوانان است، استقبال می‌کنند. آنها جوانان سه کشور را فرا می‌خوانند تا با هزمی رایج تریه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع ادامه دهند و به همبستگی ضد امپریالیستی خود استحکام بخشند.

آنها معتقدند که مناسبات برادرانه بین سه سازمان در بینکار مشترک با امپریالیسم، در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سرسیالیسم استحکام خواهد یافت.

آتن ۱۶/۱۹۸۷

است. در استراتژی دفاع از "منافع حیاتی" غرب، توجه ویژه‌ای به نقش کشورهای رشدیابنده در جنگ صلیبی علیه اردوگاه سوسیالیسم می‌شود. این دگرگونی‌ها بیانگر واکنش ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی در برابر پیشرفت روند انقلابی جهانی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و بیانگر سلطه گروه‌بندی انحصارات اسلحه‌سازی و کیمیاوی نفتی در محافل حاکم امریکا است.

برای شناخت جامع‌تر نو استعمار، سیاست نو استعماری را در مریک از عرصه‌های اقتصادی، سیاسی نظامی و ایدئولوژیک جداگانه بررسی می‌کنیم.

فرزندان کار و زحمت

روستازادگانی که مشمول اعزام به خدمت سربازی هستند ولی از رفتن به سربازی خودداری می‌کنند و خود را در روستای خود یا در روستاهای مجاور مخفی می‌کنند دست به یورش‌های شبانه به روستاها می‌زنند. گاهی اتفاق افتاده است که ماموران سپاه و ژاندارمری تمام راه‌های ورود و خروج یک ده را برای دستگیری روستازادگان فراری از جبهه یا مشمول خدمت سربازی بسته‌اند. یا حتی مواردی پیش آمده است که وقتی دسترسی به روستازادگان پیدا نکرده‌اند، پدران و مادران آنان را بطور دسته‌جمعی بازداشت نموده و در محل سپاه یا ژاندارمری برای مدت دو شبانه روز یا بیشتر زندانی کرده‌اند تا بدین وسیله به فرزندان جوان آنان دبیبت یابند.

با این همه، پیکار حق طلبانه روستازادگان در اتحاد با همه زحمتکشان شهر و ده تا سرنگون ساختن رژیم خائن و جنایتکار جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت!

بیانیه مشترک سازمان جوانان توده ایران، جوانان کمونیست یونان، فدراسیون جوانان دمکراتیک عراق

راه رژیم سرکوبگر ایران، محکوم می کنند. آنها همبستگی خود را با رژیم " جوانان توده " در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی در ایران و آزادی از قشربری مذهبی حاکم اعلام می دارند.

" جوانان توده " و " فدراسیون جوانان دمکراتیک عراق " با رژیم جوانان کمونیست و حزب کمونیست یونان برای تحقق مشارکت بیشتر نسل جوان در مبارزه برای استقلال ملی، برچیدن پایگاه های آمریکا و سلاح های هسته ای از خاک این کشور، غلبه بر موانع بحران عمیق اقتصادی و حقوق جوانان در عرصه کار، آموزش و فرهنگ، ابراز همبستگی کردند. آنها همبستگی خود را با رژیم جوانان یونان و سازمان پیشاهنگان، جوانان کمونیست یونان، در راه دمکراسی و سوسیالیسم اعلام داشتند.

سه سازمان بویژه وضعیت خطرناک بین المللی را مورد توجه قرار دادند. این وضعیت مولود خط مشی امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم آمریکاست که بشریت را به مرز نابودی مطلق سوق می دهد و نتیجه رویاهایی است که پنتاگون جهت دستیابی مجدد به منافعی که بر اثر مبارزه خلق ها از دست داده، در سر می پروراند.

سه سازمان برنامه جدید " جنگ ستارگان " را محکوم می کنند.

آنها از خط مشی صلح جویانه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که ضامن اصلی حفظ صلح و پایان بخشیدن سابقه تسلیحاتی است، استقبال می کنند.

بقیه در صفحه ۴۴

سه سازمان در جریان یازدهمین فستیوال روزنامه ارگان جوانان کمونیست یونان ملاقات کردند و به مناسبت پنجاهمین سالگرد آغاز جنگ ویرانگر ایران و عراق بیانیه ای انتشار دادند. سه سازمان مخالفت شدید خود را ادامه این جنگ ابراز داشتند و اعمالی را که به پر دامنه شدن شعله جنگ منجر می شوند، محکوم کردند.

مسئولیت اصلی آغاز این جنگ با امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی عرب است. این جنگ به مثابه بخشی از طرح دامنه دار امپریالیسم آمریکا به منظور درهم شکستن جنبش ضد امپریالیستی منطقه به شمار می رود و در جهت اعمال سلطه امپریالیستی مورد بهره برداری قرار می گیرد.

جنگ میان ایران و عراق که صدها هزار نفر در آن کشته شده و خسارات مادی بی شماری بر جا گذارده است، پر رنج های خلق های دو کشور می افزاید و تمام منطقه را به تشنج می کشد.

هر دو دولت از این جنگ جهت تشدید ستم بر خلق های دو کشور بهره برداری می کنند. سه سازمان جنایاتی را که توسط رژیم دیکتاتوری تروستی عراق علیه حزب کمونیست عراق و اعضای فدراسیون جوانان دمکرات عراق و جوانان دمکرات کشور در مجموع اعمال می شود، محکوم می کنند.

جوانان کمونیست یونان و فدراسیون جوانان دمکراتیک عراق، اعدام، شکنجه و نابودی جسمانی اعضا کادرها و رهبری محبوب حزب توده ایران و " جوانان توده " را توسط رژیم سرکوبگر ایران محکوم می کنند. آنها همبستگی خود را با رژیم " جوانان توده " در

جوانان ایران در یازدهمین فستیوال جوانان کمونیست یونان



این فستیوال هر ساله توسط جوانان کمونیست یونان و به افتخار روزنامه ارگان این سازمان، " ادیکیتیس " برپا می شود. فستیوال " ادیکیتیس " در جنبش مترقی جوانان محبوبیت بسیاری کسب کرده است. صدها هزار نفر از اقشار مختلف مردم یونان همراه با جوانان کشورهای سوسیالیستی، جنبش های آزادی بخش ملی و سایر سازمان های مترقی در این فستیوال شرکت می کنند.

جوانان کمونیست یونان ماه ها پیش از برگزاری فستیوال کارهای تدارکاتی آن را آغاز می کنند. در این مدت فستیوال های کوچکتری در نقاط مختلف کشور برگزار می شود. طی این برنامه های تدارکاتی، جوانان کمونیست یونان با بسیاری از جوانان کشورهای از نزدیک به گفتگویی نشینند و درباره مبرم ترین مسائل از جمله بیکاری، شرایط زندگی، حق آموزش و کار و راه حل پدیده های بحرانی تبادل نظر می کنند.

فستیوال امسال در تاریخ ۱۵ - ۱۱ سپتامبر برگزار شد. به دعوت میزبان، نماینده "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات" نیز در این فستیوال شرکت داشت. " جوانان نوده ایران " و نماینده سازمان الهادیان خلق ایران (اکثریت) در یونان نیز جزو شرکت کنندگان در این فستیوال بودند. هیئت نمایندگی " ادیسی " غرفه ای را جهت آشنایی جوانان یونان و جهان با واقعیت های ایران ترتیب داد و هزاران بازدید کننده این غرفه از نمایشگاه های عکس و پوستر، نشریات و کتاب های مختلف، دیدن کردند و سئوالات و نظرات خود را پیرامون زندگی

مردم ایران با هیئت " ادیسی " در میان گذاروند.

به ابتکار سازمان دهندگان فستیوال کنفرانسی تحت عنوان " جوانان مدیترانه شرقی و خلیج فارس در مبارزه با توطئه های امپریالیستی "، ترتیب داده شد. در این کنفرانس علاوه بر " جوانان نوده "، نمایندگان سازمان جوانان مترقی ترکیه، اتحادیه جوانان دمکراتیک مصر، جنبش جوانان سودان، اتحادیه جوانان کمونیست فلسطین، اتحادیه جوانان کمونیست اسرائیل، اتحادیه جوانان دمکراتیک عراق، انجمن دانشجویان کرد در اروپا، اتحادیه جوانان دمکراتیک لبنان و جنبش جوانان دمکراتیک بحرین شرکت داشتند.

در امان کنفرانس، تاقیس ماماکیس، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست

این جنگ بی معنی بهانه‌ای است در دست رژیم ارتجاعی ایران تا از پاسخگویی به مسائل روز کشور، یعنی بیکاری، تورم، شتابان افزایش بیسوادی، رشد غول اعتیاد، کمبود انرژی و شرایط زندگی غیربهداشتی و ... بگذرد.

بخش بزرگی از ده‌ها هزار زندانی سیاسی در ایران را زنان و مردان جوان تشکیل می‌دهند، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، روشنفکران، کردها و بلوچ‌های جوان، همه به خاطر رژیم شستگی ناپذیرشان در راه پیشرفت، مورد سرکوب رژیم قرار می‌گیرند، مامجینین معتقدیم که محاکمات ساختگی دموکرات‌های ایران و به ویژه اعضای حزب نوده ایران که بدون حضور حقوقدانان و ناظران بی طرف بین المللی صورت می‌پذیرد، فاقد کوچکترین اعتبار قانونی است...

اراده انقلابیون ایران منکوب شقاوت‌های جمهوری اسلامی نخواهد شد...

رفقا، در این ایام بحرانی که در پیش رو داریم، اعتراض بین المللی به جنایت‌های جمهوری اسلامی و افشای چهره واقعی حاکمان مستبد ایران بسیار تعیین کننده

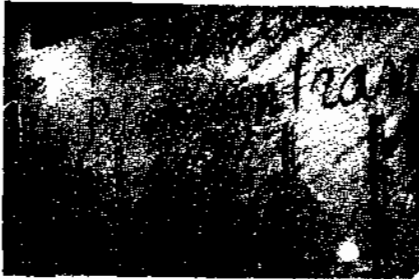
است. نیکوس فورتیاوس، صدر کمیته مؤسسی همکوارانک، جوان و باجیس آرگو راننده، رئیس بخش روابط بین المللی جوانان کمونیست یونان ضمن ابراز همبستگی با مبارزه مردم منطقه و ابراز نطق‌های افتتاحیه پرداختند.

در جریان کنفرانس نمایندگان کشورهای مختلف نظرات خود و وضعیت منطقه را تشریح کردند. نماینده "جوانان نوده" ملی سخنانی از جمله گفت:

"ما انسان خود را نسبت به دموئی که از ما برای شرکت در یازدهمین فستیوال ادیگمبسی" به عمل آمده، ابراز می‌داریم. سازمان جوانان نوده ایران همواره تاریخ رژیم جریان‌های جنبش جوانان یونان را تحسین کرده است. تاریخی که به سال‌های خفاسه آفرینتی‌های جوانان کمونیست یونان و سپس سازمان جوانان متحد ملی و جوانان دمکراتیک لامبراکیس برمی‌گردد و اکنون در پویایی جوانان کمونیست یونان تبلور یافته است...

جنگ بی معنی ایران و عراق که وارد ششمین سال خود شده، بیشترین قربانی‌ها را از میان جوانان دو کشور گرفته است...





اهدافی داریم. سخنان ما با شما صمیمانه و صادقانه است. ما صیقا معتقدیم که شناخت ماهیت واقعی ما به شما راه مبارزه متحد برای کسب حقوقی تان در عرصه کار، آموزش، فرهنگ، ورزش و غیره را نشان خواهد داد. یعنی مبارزه برای یک جامعه عادلانه تر، رها از استثمار فرد از فرد، از این رو است که ما هیچگاه از گفتن این واقعیت خسته نمی شویم که سوسیالیسم آینده ما است و جوانان کمونیست یونان، سازمان ما است.

زنان و مردان جوان!

همه چیز در اطراف شما فریاد برمی آورد که این جامعه هیچ ارمغانی برای شما نخواهد داشت. نه اکنون و نه در سال ۲۰۰۰. همه چیز فریاد برمی آورد که بحران امپریالیسم لاعلاج است. نه مرهم و زنگنه و نه مرهم اصلاح طلبان قادر به جلوگیری از بحران سیاسی و اقتصادی نیست.

امپریالیسم می تواند بشریت را با فاجعه هسته ای تهدید کند ولی رزم خلق ها قادر است این تمایلات مخرب را متوقف سازد. امپریالیست ها ممکن است بتوانند مبارزان را در آفریقای جنوبی، شیلی، ترکیه و دیگر کشورها به قتل برسانند، ولی چه کسی آرام خواهد گرفت وقتی که می بینند مرد آفریقای جنوبی دست به تظاهرات می زند - مردگان خود را دفن می کنند؟ یا هنگامیکه مردم شیلی در خیابان های سانتیاگو بیسکرامی کنند؟

است. مردم ایران این حمایت بین المللی را ارج می نهند و خواهان گسترش اعتراضات جهانی سازمان های مترقی علیه رژیم ترور و خفقان و برای آزادی همه زندانیان سیاسی هستند....

نماینده اتحادیه جوانان دمکراتیک عراق در سخنان خود، پس از بررسی اوضاع منطقه و نقش مخرب امپریالیسم و "ناتو"، در مورد جنگ ایران و عراق گفت:

"جنگ ایران و عراق پساری از مردم ایران و عراق را به کشتن داده و ادامه ان تنها به سود امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. متأسفانه هیچیک از طرفین راه حل عادلانه ای جهت خاتمه دادن به این تخاصم بی معنی اراک نکرده اند.

توازن نیروها در عراق به نفع نیروهای مترقی به نقطه اوج جدیدی رسیده است. شعارهای ما در مورد خاتمه دادن به این جنگ بی معنی، سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی حاکم و در راه ایجاد یک عراق دمکراتیک به جنبش شتاب بیشتری داده است."

فستیوال "ادیکیفیس" پس از پنج روز شور و هیجان و بحث و گفتگو، شاهد دو نطق مهم بود که از جانب دبیر کمیته مرکزی جوانان کمونیست یونان و دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ایراد شد. سخنرانان مشکلات و مسائل کشور و اوضاع بترنج بین المللی را برای جوانان تشریح کردند و بر نقش فعال آنان در مبارزه برای کاهش تشنج و تحکیم صلح در منطقه و جهان تأکید کردند. رفیق اسپیروز هالواتزیس، دبیر کمیته مرکزی جوانان کمونیست یونان، از جمله اظهار داشت:

"زنان و مردان جوان!

ما هیچگاه از شما پنهان نکرده ایم که ما چه کسانی هستیم، چگونه می اندیشیم یا چه

بازدیدکنندگان خود پیشقدم و داوطلب پرداخت کمک مالی بودند. یک بار مرد شصت ساله‌ای را دیدیم که تمام محوطه وسیع فستیوال را برای یافتن غرفه‌های ایران زیرپا گذارده بود.

اکثر بازدیدکنندگان طالب آخرین خبرها درباره ایران بودند. ما تا آنجا که مقدور بود به ستولات بازدیدکنندگان از غرفه " ادیسی " پاسخ‌های لازم را که دربرگیرنده افشای جنایات رژیم و توضیح و تشریح وضعیت جنبش انقلابی در کشور بود دادیم:



نامه اعتراض شرکت کنندگان فستیوال خطاب به مقامات ایرانی

به: رئیس جمهور اسلامی ایران، علی خامنه‌ای، تهران ایران
 من، شرکت کننده در یازدهمین فستیوال " ادیگیتیس " خواستار آنم که:

- تمام زندانیان سیاسی ایران، از جمله رهبران و اعضای حزب توده ایران فوراً آزاد شوند

- مقامات ایرانی به گروه‌های بی طرف حقوق دانان، پزشکان و روزنامه نگاران بین المللی اجازه دهند تا به ایران بیایند و با زندانیان سیاسی ملاقات کنند.

نام

امضا

متن فوق به امضا هزاران تن از شرکت کنندگان فستیوال رسید و ارسال شد.

جوانان یونان همراه با کمونیست‌های یونان با مشت‌های کره کرده و فریادهای هیبتگی با مبارزات خلق‌های کثوره‌های آسیا و آفریقا و امریکای لاتین نشان دادند که آرام نخواهند گرفت و راه مبارزه را با کام‌های استوارتر خواهند پیرو.

در حاشیه فستیوال:

ملاقات‌های هیبت‌های نمایندگان:

- پیش از آغاز فستیوال هیبت‌های نمایندگی با شهردار " کازیناریا " (محل برگزاری فستیوال) ملاقات کردند. شهردار طی سخنانی به مهمانان خیر مقدم گفت و هیبتگی خود را با جنبش‌های رهایی بخش ملی اعلام داشت.

- نائب رئیس فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و مسئول بخش آسیا و اقیانوسیه در فدراسیون در دیدار با هیبت‌های نمایندگی، پراهمیت جنبش جوانان در مبارزه برای صلح جهانی تأکید کرد.

شهردار کازیناریا و نائب رئیس فدراسیون فراخوان جوانان توده پیرامون هیبتگی با مردم ایران را امضا کردند.

- هیبت‌های نمایندگی از میدانی که محل تیرباران ۲۰۰ کمونیست توسط نیروهای اشغالگر المان نازی بود، دیدار کردند و دسته‌گلی به نشان احترام بر مزار شهدا نهادند.

در غرفه " ادیسی "

در محل برپایی غرفه‌ها سه غرفه به ایران اختصاص داده شده بود. یک غرفه به هواداران حزب توده ایران در یونان، یک غرفه به فدائیان خلق ایران (اکثریت) در یونان و سومی به " ادیسی " و " جوانان توده ".

بدون اغراق باید گفت که هزاران تن از غرفه " ادیسی " دیدن کردند. اکثر

جوانان در سوسیالیسم

کتاب و مطبوعات در جمهوری خلق مجارستان

رشد و شکوفایی نظام سوسیالیستی در جمهوری خلق مجارستان بیش از پیش بر غنای فرهنگی این کشور می افزاید. یکی از مهمترین شاخص های این غنای فرهنگی را می توان در افزایش بی سابقه تنوع و تیراژ کتب و مطبوعات مجارستان مشاهده کرد. در حالی که پیش از جنگ جهانی دوم تیراژ کتاب در مجارستان کمتر از ۱۰ میلیون بود، در سال ۱۹۵۰ به ۲۰ میلیون، در سال ۱۹۷۴ به ۱۹۶۸ میلیون و در سال ۱۹۸۴ به ۱۰۰ میلیون رسید. با مطالعه جداول زیر بهتر می توان به تنوع و عمق فرهنگ سوسیالیستی در این کشوری برد:

علمی	علمی به زبان ساده	فنی	ادبی	ادبیات نوجوانان	درسی	غیره جمع	
۷۳۹	۱۲۰۵	۴۱۱۸	۹۰۷	۲۴۴	۱۷۳۳	۸۳	۹۱۲۸
۱/۵	۲۲/۹	۸/۲	۱۸/۹	۱۵/۲	۲۳/۱	۰/۷	۱۰۰/۵

تیراژ و تنوع کتاب (۱۹۸۴)

روزنامه	مفتد نامه	دوهفتگی	ماهنامه	غیره	جمع	
۲۹	۵۶	۱۳۱	۴۹۰	۹۲۸	۱۶۱۴	تعداد عناوین نشریات
۹۰۵/۵	۳۵۶/۱	۲۷/۸	۸۹/۱	۲۷/۸	۱۴۰۶/۳	تیراژ به میلیون

تیراژ و تنوع نشریات (۱۹۸۳)

”بهشت“ سرمایه‌داری، دوزخ جوانان

آموزش عالی قربانی بحران سرمایه‌داری

دانشجویان کاسته شده است. فقط ۱۰ درصد از دانشجویان در اتریش، ۱۴ درصد در فرانسه و ۲۰ درصد در ژاپن کمک هزینه تحصیلی دریافت می‌کنند.

تنها ۲۵ درصد از دانشجویان در بریتانیا می‌توانند از خوابگاه‌های دانشجویی استفاده کنند.

دانشجویانی که به خوابگاه‌های دانشجویی راه نمی‌یابند، دوره بیشتری در پیش پا ندارند؛ ترک تحصیل یا اقامت در اتان‌های خصوصی. آنهایی که راه دوم را انتخاب می‌کنند، ناگزیراند برای پرداخت اجاره بهای کلان زیربار قروض هنگفتی بروند. دیرین دانشجویان بریتانیایی اکنون بالغ بر بیش از ۱۳ میلیون پوند می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا و همچنین در فرانسه، ۵۰ درصد از دانشجویان به علت عدم امکان پرداخت شهریه‌های هنگفت دانشگاه‌ها تحصیلات خود را نیمه تمام رها می‌کنند.

شهریه دانشگاه‌ها و مدارس عالی ایالات متحده آمریکا در عرض ۲۰ سال گذشته، ۳/۵ برابر شده است. اکنون کسب دانشنامه در موسسات آموزش عالی آمریکا در مجموع بین ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار دلار هزینه دربردارد. در دانشگاه‌های سرشناسی چون استیوری فنی ماساچوست (ام. آی. تی) یا کالج بنتگورن این رقم به ۱۷۰ هزار دلار می‌رسد.

در سال تحصیلی ۸۶-۱۹۸۵، شهریه‌ها باز هم به میزان ۷ درصد افزایش می‌یابند. بدین ترتیب ورود به موسسات آموزش عالی برای بسیاری از جوانان آمریکایی که به خانواده‌هایی با درآمد پائین و یا حتی متوسط تعلق دارند، آرزویی دست نیافتنی است.

در ایالات متحده آمریکا تنها یک نفر از هفت دانشجو می‌تواند از کمک هزینه تحصیلی دولتی بهره‌مند شود. در دوران پنج ساله اخیر حکومت جمهوری خواهان، ۱۳ درصد از میزان کمک‌های اعطایی به

مصاحبه با دوتن از مسئولین *****

حکومت ملی انجام می‌گرفت در همین مدت کوتاه، بیکاری را در آذربایجان ریشه‌کن نماید و با تدوین قانون‌هایی در مبارزه علیه فحشاء و مواد مخدر، مبارزه قاطعی را علیه آنها صورت داده و نیروی جوانان را در خدمت مردم و میهن سمت دهد. بذل توجه حکومت ملی به جوانان در کلیه شئون زندگی مردم آذربایجان تأثیر فراوانی داشت و در توجه به رفاه، پرورش، آموزش و کار همه جانبه با جوانان منعکس است.

پاسخ به خوانندگان



اکبر عزیز، نامه‌تان را دریافت کردیم. خاطرات فستیوال با آنکه متأسفانه دیر به دستمان رسید ولی بسیار خوب تهیه شده است و حتماً مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از اینکه "آرمان" را نشریه خودتان می‌دانید، بسیار خوشحالیم. ما خواهیم کوشید، همانگونه که شما نوشته‌اید درباره "محیط‌های کارگری و مشکلات جوانان و نوجوانان کارگر" مین مان بیشتر مطلب داشته باشیم. بازم با ما مکاتبه کنید.

دوست بسیار عزیز مهناز خانم
شما هم عسّه نباشید، عکسها را پس از استفاده حتماً برای ما ارسال خواهیم کرد
لطفاً بازم برای ما مطلب بفرستید، دستتان را بگرمی می‌فشاریم.

چهارمین سالگرد فئداسیون بین‌المللی زنان

تلاش جستجوی ناپذیر فئدراسیون برای حفظ صلح جهانی، خلع سلاح عمومی و جلوگیری از گسترش رقابتهای نظامی فضا مورد تأیید همه نیروهای صلح‌دوست جهان است.

هم‌اکنون ۱۲۵ سازمان از ۱۱۷ کشور جهان عضو فئدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان هستند. "تتکایدت دموکراتیک زنان ایران" به نمایندگی از طرف زنان مین مان عضو قدیمی و پرمایه این فئدراسیون است.

آدرس پستی :

**Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90**

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic
Youth and Students of Iran

Price: L. DM or its equivalent in all other countries

ODYSI

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

Organisation of Democratic Youth and Students of Iran



**دانشجویان مبارز
باشناسایی، افشا و طرد
جاسوسان سفارت رژیم
جنایتکار ولایت فقیه
به دفاع از حقوق صنفی
سیاسی خود برخیزیم**

**مرگ بر خمینی
سرتگون باد
رژیم جمهوری اسلامی**

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران